

# شاگرد شوید (شاگرد سازید)

دروس تعلیمی کلیسای ایرانیان اسلو  
زمستان- بهار سال ۲۰۰۰

مقدمه

بهترین شیوه در کار بشارت کدام است؟ این سؤال مثل این است که از یک ماهیگیر بپرسیم: بهترین راه برای ماهیگیری چیست؟ استفاده از تور، یا به کار بردن نیزه ماهیگیری و یا به کار بردن قلاب و چنگک؟ در پاسخ باید گفت که انتخاب هر شیوه به شرایط و موقعیت بستگی دارد. قرن‌ها پیش، عیسی چند ماهیگیر را دعوت نمود و در طی یک دوره آموزشی، شیوه‌های بشارت را به آنان آموخت: «از عقب من آید تا شما را صیاد مردم گردانم» (متی ۴: ۱۹).

شاگردان به دنبال عیسی رفتند و قدرت، پیغام و شیوه‌های بشارت را از او آموختند. مسیح به آنها تعلیم داد که چگونه دعا کنند، تعلیم دهند، موعظه نمایند، بیماران را شفا بخشند، گرسنگان را غذا دهند و به گناهکاران کمک کنند تا خدا را بیابند، ولی به آنان آموخت که برنامه منظمی برای سفرهای بشارتی داشته باشند و از هر فرصت غیر منتظره‌ای برای رساندن انجیل به مردم استفاده کنند. آنها یاد گرفتند که مردم را در خانه‌هایشان ملاقات کنند و از موقعیت‌های اجتماعی برای بشارت استفاده نمایند. آنها شنیده بودند که چگونه عیسی در جشن‌های مذهبی برای توده‌های مردم موعظه می‌کرد، در مورد ملکوت خدا با سران قوم مباحثه می‌نمود و در کنار چاهی خارج از یک دهکده، مژده نجات را به زنی مطرود می‌رساند.

ماهیگیر باید به جایی که ماهی هست برود و عیسی هم پیغام انجیل را به هر جا که مردم بودند می‌برد. او به شاگردان تعلیم داد که از هر امکان موجود استفاده کنند و در هر جا که باشد وظیفه خود را انجام دهند در حیاط، در جلسه تعلیمی، در خیابان‌ها، در کنار ساحل، بر پهنه کوه، در خانه و در یک قایق قرض شده.

شاگردان مسیح، اصول اساس ارتباط صحیح را از بزرگترین معلم تمام تاریخ آموختند. از او یاد گرفتند که به شنوندگان خود توجه داشته باشند و هدف پیغام خود را بر علایق و احتیاجات آنها متمرکز نمایند و از زبان ساده و بیان قابل فهم استفاده کنند.

عیسی به شاگردانش آموخت که پیغامشان را بر کلام خدا بنا نهند، در سخنان خود از سؤال و مثال بهره بگیرند و شنوندگان را به اتخاذ تصمیم دعوت کنند. نه فقط روش‌های مسیح بلکه حالات او نیز آموزنده بود؛ یعنی محبت او نسبت به خدا و انسان، وقف شدن او برای کار، غیرت، ایمان و اطاعت او از اراده خدا.

پس از اینکه شاگردان یاد گرفتند که چگونه «صیاد مردم» باشند، عیسی آنان را از روح القدس پر نمود و فرستاد تا کار او را ادامه دهند: «پس رفته همه امت‌ها را شاگرد سازید... اینک من هر روز تا انقضای عالم همراه شما می‌باشم» (متی ۲۸: ۱۹ - ۲۰). این حکم و وعده او امروز هم شامل حال ما می‌شود. در این کتاب به مطالعه اصولی خواهیم پرداخت که عیسی برای صیادان مردم مقرر نمود.

- ۱- به هر جا که مردم هستند بروید.
- ۲- از هر فرصتی برای اعلام پیغام انجیل به مردم استفاده کنید.
- ۳- از روشی استفاده نمایید که با نیاز مخاطبین، بیشترین تطبیق را داشته باشد.
- ۴- هر وسیله یا مکان در دسترس را به کار برید. دعای ما این است که مطالعه کتاب بشارت در دنیای امروز مایه برکت شما شود.

## کار خدا و کار ما

در کشور صحرایی بورکینافاسو واقع در غرب آفریقا، مرد نابینایی زندگی می‌کند که مبرش غیوری برای خداست. وی اتومبیلی ندارد، با این حال از روستایی به روستای دیگر سفر نموده و انجیل عیسای مسیح را اعلام می‌کند. سال‌هاست که او به نحوی مؤثر بر قدرت نجات‌بخش خدا شهادت داده و در نتیجه مساعی او، عده زیادی مسیح را شناخته‌اند. همه کسانی که در روستاهای مختلف بورکینافاسو توسط او ایمان آورده‌اند، با سرمشق گرفتن از نمونه وی، در سلوک و شهادت مسیحی خود امین مانده‌اند.

این مبشر نابینا، در سفرهای خود به کمک برادرزاده خویش و سایر جوانان متکی بوده تا او را به وسیله دوچرخه به اینجا و آنجا ببرند. بدین ترتیب او قادر می‌گردد که انجیل را در دور افتاده‌ترین مناطق کشور خود موعظه نماید. در نتیجه اقدامات وی، نه فقط برادرزاده‌اش اکنون به خادم انجیل و معلم مدرسه کتاب مقدس مبدل شده، بلکه زندگی اشخاص بی‌شماری تغییر یافته است. این همه، نتیجه خدمات مردی امین و وقف شده است که علی‌رغم شدت نقص عضو خود، از این فرمان بزرگ عیسی اطاعت کرده که «... بروید و جمیع خلائق را به انجیل موعظه کنید» (مرقس ۱۶: ۱۵).

کار بشارت، نقشه خداست برای جذب کردن جهان به سوی خود. خدا برای به انجام رساندن نقشه خود، از طریق قوم خویش کار می‌کند. در این فصل به بررسی دقیق مفهوم بشارت و نیز وظیفه ما در قبال آن می‌پردازیم. همچنین خواهیم دید که خدا شیوه خاصی برای بشارت و قدرت مخصوصی برای به اجرا در آوردن آن دارد. سپس به سهم خویش در همکاری با خدا و اعلام خبر خوش نجات به جمیع خلائق، توجه خواهیم نمود.

### **بشارت چیست؟**

با شنیدن این کلمات و عبارات، اولین چیزی که به ذهن شما می‌رسد چیست؟ بشارت، جلسات کلیسایی، اردوهای بزرگ بشارتی، شهادت دادن به دیگران در مورد کاری که مسیح برای شما انجام داده و دعوت کشیش از مردم برای پیوستن به کلیسا؟ افراد مختلف، برداشت متفاوتی از مفهوم بشارت دارند. بشارت دارای شکل‌های متعددی است و شیوه‌های گوناگونی دارد. ثمر و نتیجه بشارت، تا حد بسیاری به درک خادمان از معنی آن بستگی دارد. آنها باید دیدگاه روشنی نسبت به اهداف کار خود داشته باشند و برای رسیدن به آن اهداف، باید بدانند که انجام چه کاری لازم است. بررسی خود را در مورد بشارت با نگاهی به مفهوم این کلمه و شناخت روش‌های اساسی بشارتی آغاز می‌نماییم.

## مفهوم کلمه بشارت

کلمه انگلیسی بشارت یا Evangelism از ریشه کلمه یونان Euaggelidzo، به معنی «خبر خوش می‌آورم» مشتق شده است. پس مفهوم اصلی بشارت عبارت است از دادن خبر خوش انجیل به مردم (انجیل به معنی «خبر خوش» می‌باشد) بشارت ما به مردم با اعلام این خبر خوش انجام می‌پذیرد که عیسی مسیح، پسر خدا، آنها را از گناهانشان نجات خواهد داد و به آنان حیات ابدی خواهد بخشید.

البته کلمه بشارت به صورتی که آن را به کار می‌بریم، چیزی بیشتر از صرفاً اعلام خبر خوش می‌باشد. ما می‌کوشیم که مردم را به نشان دادن عکس‌العمل مثبت و پذیرش مسیح همراه با تمام برکاتش، تشویق نماییم. برای برداشتن این قدم باید به مردم کمک کنیم. پس از آن نیز تمام سعی خود را باید به کار بریم تا آنان را در ایمان و مشارکت مسیحی، پا بر جا و استوار بداریم.

ویلیام تمپل (William Temple) اسقف عظم کانتربری، این تعریف را از بشارت ارائه می‌دهد: بشارت؛ یعنی اینکه عیسی مسیح را چنان با قوت روح القدس نشان دهیم که انسان‌ها به او به عنوان نجات‌دهنده ایمان آورند و او را به عنوان خداوند در مشارکت با کلیسایش، خدمت نمایند.

نقل از مجله حیات مسیحی، نوامبر ۱۹۶۸

با بررسی این تعریف در می‌یابیم که عمل ما در بشارت نشان دادن مسیح است. این کار باید با قوت روح القدس انجام گیرد. هدف این است که انسان‌ها به مسیح به عنوان نجات‌دهنده خود ایمان آورند، در نتیجه او را به عنوان خداوند در مشارکت با کلیسایش خدمت کنند.

## اقتدار برای بشارت

به چه حقی می‌توانیم در مورد خدای خود با پیروان سایر ادیان صحبت کنیم؟ اگر مردم بخواهند شیطان را بپرستند و یا آفتاب و بت‌ها را عبادت کنند، آیا این حق را داریم که مزاحم آنها بشویم؟ در اغلب ادیان، تعالیم نیکوی بسیاری وجود دارند، پس چرا باید بکوشیم که اعتقادات و رسوم مردم را عوض نماییم؟ با چه اقتداری به همه جا رفته و انجیل را موعظه می‌کنیم؟

برای یافتن پاسخی به سؤالات فوق، متی ۲۸: ۱۸-۲۰ را بخوانید. فرمانی مسیح این است که به همه مردم و تمام ملل باید بشارت داد. اختیار و اقتدار مسیح پشتوانه عمل ماست، چون تمام قدرت در آسمان و زمین به دست‌های او سپرده شده و بشارت ما بر اساس نظر شخصی یا موقعیت محیطی نیست، بلکه تماماً بر اقتدار شخصی مسیح قرار دارد. خدای عظیم جهان، آن خدای واحد حقیقی که دنیا و آنچه را که در آن است، به وجود آورده به ما فرمان داده که کلام او را به همه برسانیم. عیسی مسیح پسر خدا، این حکم را به کلیسا داد. ما این حکم را فرمان اعظم می‌نامیم. ما اقتدار و دستورات خود را در مورد بشارت، از کلام خدا می‌یابیم.

هنگامی که کلیسای اولیه، انجیل را موعظه کرد و در مورد مسیح با مردم سخن گفت، مورد جفا واقع شد و از صحبت راجع به مسیح منع گردید. با این حال، مسیحیان اولیه دریافتند که اعتبار و اقتدار کلام خدا بالاتر از دستورات بشری است و به همین دلیل به شهادت دادن خود در مورد مسیح ادامه دادند. رسولان به زندان افتادند، ولی فرشته‌ای آنها را آزاد کرد. در مقابل شورای مذهبی مورد تهدید واقع شدند، اما پطرس توضیح داد که علت نافرمانی آنها اطاعت از دستورات مقام بالاتر بوده است: «خدا را می‌باید بیشتر از انسان، اطاعت نمود!» (اعمال رسولان ۵: ۲۹). پس امروز هم هر جا که خدا شما را می‌فرستد با قدرت فرمان او بروید. به یاد داشته باشید که در همان جا، عیسی با شما است!

امروزه بسیاری از مردم احساس می‌کنند که یک مسیحی نباید در مورد مسیح با پیروان سایر ادیان و مذاهب سخن بگوید. بعضی از مسیحیان، اگر در مورد مسیح شهادت دهند با جفا و احتمالاً مرگ رو به رو خواهند شد. دیگران هم متوجه نیستند که فرمان اعظم، خطاب به آنها هم هست، ولی ما در قبال بشارت به دیگران، مسؤول هستیم.

## روش‌های اساسی بشارت

روش‌های بشارت عبارتند از راه‌هایی که به وسیله آنها مسیح را نشان می‌دهیم، با این هدف که مردم را تشویق کنیم تا او را به عنوان نجات‌دهنده بپذیرند و به عنوان خداوند، خدمت کنند. در این کتاب روش‌های مختلف و متعددی را از نظر خواهیم گذراند و خواهیم دید که چگونه هر یک، دیگری را تقویت می‌نماید. عیسی و رسولان روش‌های خود را با موقعیت‌ها تطبیق می‌دادند. اساس بشارت آنها بر قوت روح القدس قرار داشت که در آنها بود و از طریق آنها کار می‌کرد (اعمال رسولان ۱: ۸).

دعا وسیله‌ای بود که ارتباط میان آنها و خدا را برقرار می‌نمود. خدا در هر موقعیت، پیغام خود را به آنها می‌داد و آنها را تشویق می‌نمود که آن را ارائه کنند. پس می‌توانیم بگوییم، اساسی‌ترین روش بشارت این است که اجازه دهیم خدا از طریق ما کار کند. با این حال، هرگاه

صحبت از روش‌ها در میان است، معمولاً باید به راه‌های اعلام پیغام هم اشاره نمود. در این باره می‌توان به این نکات توجه نمود: تعلیم (متی ۲۸ : ۲۰)، موعظه (مرقس ۱۶ : ۱۵) و شهادت دادن (اعمال رسولان ۱ : ۸). نقشه خدا برای بشارت این بود که تمام انجیل را از طریق کار توسط تمام کلیسا، به تمام جهان برساند.

## الگوی خدا

الگوی اساسی بشارت، عبارت است از کار خدا از طریق این الگو را می‌توان از همان ابتدا در باغ عدن مشاهده نمود. «و خداوند خدا، آدم را ندا در داد و گفت: کجا هستی؟» محبت خدا او را به جستجوی انسان گمشده می‌کشاند، حتی وقتی که این انسان می‌کوشد خود را از چشم آفریننده‌اش مخفی سازد.

نکته اساسی در الگو و نمونه کار خدا، همین ندا در دادن است. نقش ما چیست؟ این را از بیان یحیی‌ای تعمیددهنده در می‌یابیم: صدای نداکننده‌ای در بیابان که راه خداوند را مهیا سازید...» (مرقس ۱ : ۳).

با توجه به شیوه کار خدا در باغ عدن، مطالبی را می‌آموزیم. در فصل سوم پیدایش، خدا را در جستجوی انسان می‌بینیم. خدا او را به نام می‌خواند. از اوسؤال می‌کند و او را با گناه خود رو به رو می‌نماید. خدا به آدم و حوا پیغامی داد. او نتیجه گناه را به آنها نشان داد، ولی پیشگویی کرد که نجات‌دهنده‌ای، انسان را از قدرت شیطان خواهد رهانید. سپس به جای سترهای حقیرانه‌ای که برای خود ساخته بودند، آنها را با رخت‌ها پوشانید. ما هم باید از همین الگوی الهی پیروی کنیم. در عین حال خدا نیز ما را در جستجوی گمشدگان هدایت خواهد نمود و در اعلام پیغام سماوی وی به هر یک از آنها، یاری خواهد داد.

الگوی کار بشارتی خدا در باغ عدن از یافتن گناهکاران و اعلام پیغام به آنان هم فراتر می‌رود. او به آدم و حوا نشان داد که دوستشان دارد. خدا در آنجا قربانی‌ای انجام داد و آدم و حوا را پوشانید تا بتوانند در مقابل او و دیگران بدون شرمندگی بایستند. بدین ترتیب نمونه کوچکی از آنچه که خدا قرار بود برای جهان گناه‌آلود در جلجتا انجام دهد. از پیش نشان داده شد. این نکته به ما یادآوری می‌نماید که به هنگام صحبت درباره داوری خدا علیه گناه، باید در مورد محبت او نسبت به گناهکاران هم سخن بگوییم.

البته دیگران باید این محبت را در ما ببینند تا سخن ما را باور کنند. قربانی برای نجات، در جلجتا به انجام رسید، ولی هنوز لازم است که ما نسبت به نفس خود بمیریم. این قربانی زنده به دیگران کمک خواهد کرد تا نجات‌دهنده را بیابند و او را پیروی کنند. عهد عتیق تماماً حاکی از آن است که خدا، گناهکاران را ندا در می‌دهد تا از گناهان خود بازگشت نموده و نجات یابند، ولی او این کار را به وساطت انبیای خویش عملی می‌ساخت.

خدا، نوح را برگزید تا علیه شرارت قوم خود و عطف کند و راه‌هایی از داوری آتی را به آنها نشان دهد. خدا، یونس را فرستاد تا به اهالی نینوا هشدار دهد. اشعیا، ارمیا، عاموس و سایر انبیا با قوت روح القدس به پیش رفتند و پیغام خدا را اعلام نمودند. آنان پیام‌آوران الهی بودند که توسط خدا انتخاب و فرستاده شدند تا پیغامی خاص را به گروهی خاص و در محلی مشخص، اعلام نمایند. امروزه هنوز هم الگوی کار خدا این است.

به وضوح دیدیم که الگوی اساسی بشارت عبارت است از کار خدا توسط انسان. عیسی هم بارها به شاگردانش گفت که خدا از طریق او کار می‌کند و معجزات و سخنان وی از اوست. او همچنین به پیروانش وعده داد که به همین ترتیب، روح القدس توسط آنان عمل خواهد نمود. نمونه دیگر الگوی اساسی کار خدا در بشارت را می‌توان در کتاب اعمال رسولان یافت. در این کتاب می‌بینیم که چگونه روح القدس، کلیسای اولیه را به کار می‌برد تا تمام مژده انجیل را به تمام جهان برساند. اعضای کلیسای اولیه هم مثل ما، مردان و زنان معمولی بودند، ولی خدا از طریق آنها کار نمود.

ملوین هاجز (Melvin Hodges) در مورد نتیجه خارق‌العاده این کار چنین می‌نویسد: رسولان همچون انسان‌هایی تسخیر شده در زندگی کردند. واقعا هم این طور بود چون روح خدا آنها را تحت تسلط خود داشت. در نظر آنها زندگی و دنیا اهمیت چندانی نداشتند. حتی به تأمین مالی و مادی هم توجه نمی‌کردند، چون دائما در مخاطره به سر می‌بردند. بارها به زندان افتادند و مضروب شدند. آنها شب و روز با اشکها برای نوایمانان دعا می‌کردند. خود را به طور کامل وقف عیسی مسیح و اراده او کرده بودند چون او خداوند و صاحب زندگی آنها بود. رسولان، مردان ایمان بودند. آنها در ملکوت خدا گام بر می‌داشتند، زیرا آن را واقعیتی زنده و روحانی می‌دانستند.

به کلام انجیل ایمان داشتند و وقتی که به نام عیسی موعظه می‌کردند نتیجه را انتظار می‌کشیدند. ایمان داشتند که عیسی به دست راست تخت خدا، زنده و حاضر است و مطمئن بودند که وعده داده حتی تا انقضای عالم هم با آنها همراه خواهد بود. پس می‌بایست به نام او به آن مرد لنگ فرمان می‌دادند که بر پایش بایستد. آنها حقایق روحانی را واقعی‌تر از حقایق طبیعی به شمار می‌آوردند. به همین دلیل می‌توانستند در مقابل جفا و «وحوش افسوس» و یا در برابر خود نزون پایدار بمانند. در آن زندان‌های تاریک، سرود می‌خواندند و دعا می‌کردند. پولس پس از آنکه سنگسار شده به حال مرگ افتاد، مجددا برخاست و به موعظه انجیل ادامه داد. ایمان آنها متکی به خود نبود، بلکه به مسیح زنده و قیام کرده ایمان داشتند. این پیام‌آوران اولیه مردانی مطیع و پر از روح القدس بودند، بدین علت از نوایمانان خود توقع داشتند که همین گونه باشند. آنها تعالیم مسیح را به کسانی سپردند که همچون خودشان واکنش مثبت نشان داده و از وعده‌های الهی، پر شدند. انتظار رسولان از نوایمانان این بود که خود را مسؤول دانسته و انجیل را نه به عنوان وظیفه بلکه به صورت نتیجه بدهی و اجتناب‌ناپذیر نجات خود، بشارت دهند.

## قوت خدا

با نگاه به نمونه‌هایی از عهد عتیق و نیز از کلیسای اولیه، الگوی اساسی خدا را برای بشارت در عمل مشاهده نمودیم. در ورا و درون این نمونه‌ها، خدا کار کرده است. بدون حضور و قوت خدا، تمام سعی و کوشش ما بی‌فایده است. ما باید خود مسیح زنده را به جهان نشان دهیم، نه فقط اینکه راجع به او چیزی بگوییم. کار روح القدس هم این است که زنجیرهای گناه را بگسلد و گناهکاران را به فرزندان خدا تبدیل نماید. بدون این قوت، تمام شهادت‌ها، موعظه‌ها و تعالیم ما فقط مشابه روش‌های بشارتی خواهند بود. بشارت حقیقی و بشارتی که مثمر ثمر است باید در قوت روح القدس صورت پذیرد.

شیطان در تلاش خود برای برگرداندن ما از کار خدا، سلاح‌های مختلفی را به کار می‌برد. او از مقاومت و بی‌تفاوتی مردم استفاده می‌کند تا ما را مأیوس و شکست خورده نماید. وی



همچنین ممکن است از جفا، انتقاد، شک، سردرگمی، فشارهای احساسی، وسوسه‌ها، سوءتفاهمات بین مسیحیان و یا مشکلات جسمانی هم استفاده کند. مبارزه با شیطان بخشی از کار بشارت ماست. لازم است نسبت به آن آگاه و هشیار بوده، محافظت الهی را به کار بریم.

اولاً، هرچه بیشتر درک کنیم که جنگ ما با شیطان است نه با مخالفینمان، پیروزی برای ما آسان‌تر خواهد بود. بدین ترتیب نسبت به قربانیان شیطان، دلسوزی بیشتری خواهیم داشت و افراد گستاخ یا بی‌تفاوت را متحمل شده، حکیمانه‌تر با مشکلات برخورد خواهیم کرد.

ثانیا، احتیاجی نیست که از خطرات کار خود بترسیم، چون خدا با ما خواهد بود. روح خدا و کلام او در افکار تیره خواهند درخشید و به اشخاص بسته، دید روحانی خواهند داد. خدا ما را به جنگ می‌فرستد و به ما لباس جنگ و اسلحه لازم را عطا می‌کند تا بتوانیم از خود محافظت نموده، شیطان را شکست دهیم و اسیران او را آزاد سازیم (افسیان ۶: ۱۰ - ۱۸). در بشارت با خدا همکاران هستیم.

بدین دلیل به هنگام اعلام مسیح به جهان و آنگاه که برای نجات جان‌ها با شیطان می‌جنگیم، بر فیض و قوت الهی تکیه داریم. شما باید به عنوان یک سرباز مسیح، خود را نسبت به او متعهد بدانید. عیسی قبلاً شیطان را در جلجتا شکست داده است. خون او به عنوان فدییه برای تمام اسیران شیطان ریخته شد. پس باید به نام عیسی بروید و بر شیطان غلبه یابید. روح القدس با شما است تا شما را محافظت و رهبری نماید و بر تمام نیروی دشمن، شما را قوت بخشد.

### تمایل به اطاعت از خدا

وقتی که عیسی را به عنوان نجات‌دهنده خود پذیرفتیم، او را به عنوان خداوند هم قبول کرده‌ایم. سپس زندگی خویش را وقف او و اهدافش نموده خود را مطیع وی ساخته‌ایم. از آن هنگام تاکنون، بارها قول داده‌ایم که هر جا خدا بخواهد برویم. هر چه او بخواهد بگوییم و هر چه اراده کند انجام دهیم. دستورات مسیح خطاب به کلیسا، شامل حال ما هم می‌شوند. مسیح می‌خواهد احکام او را نگاه داریم (یوحنا ۱۴: ۱۵)، همه امت‌ها را شاگرد سازیم (متی ۲۸: ۱۹-۲۰)، همه را به انجیل موعظه کنیم (مرقس ۱۶: ۱۵)، شاهدان او باشیم (اعمال رسولان ۱: ۸) و اطاعت از خدا را بر اطاعت انسان ترجیح دهیم (اعمال رسولان ۴: ۱۳-۲۰ و ۵: ۲۷-۲۹).

## تمایل به پیروزی نقشه خدا

هرچه بیشتر، شخصی را دوست بداریم، بیشتر تمایل خواهیم داشت که موفقیت او را ببینیم. علایق او علایق ما می‌شوند و مایل خواهیم بود که برای پیشبرد نقشه خود، هرچه در توان داریم به کار ببریم. می‌دانیم که مسیح، مالک و حاکم بر حق این دنیاست و به همین خاطر دعا می‌کنیم: «ملکوت تو بیاید، اراده تو چنان که در آسمان است، بر زمین نیز کرده شود» (متی ۶: ۱۰) و نیز می‌طلبیم: «بیا ای خداوند عیسی» (مکاشفه ۲۲: ۲۰). ولی کاری هست که باید قبل از آمدن او انجام دهیم. مسیح فرمود: «و به این بشارت ملکوت. در تمام عالم موعظه خواهد شد تا بر جمیع امت‌ها، شهادتی شود. آنگاه انتها خواهد رسید» (متی ۲۴: ۱۴).

در حالی که سایرین در جستجوی معنا و مفهومی برای زندگی خود هستند، ما آن را یافته‌ایم؛ یعنی هدف و نقشه خدا را و می‌خواهیم در پیروزی آن سهمی داشته باشیم. مسیح به ما گفته که اولویت زندگی خود را بر این ملکوت الهی قرار دهیم و سایر احتیاجات خود را هم از خدا خواهیم یافت (متی ۶: ۳۳). ما می‌خواهیم بخشی از بشارت جهانی باشیم و ملکوت خدا را هر چه بیشتر بر زندگی اشخاص حاکم بسازیم. مایلیم کاری را که او به ما سپرده است پیش از آمدنش به پایان رسانیم تا در آن موقع همه با هم با موفقیت به استقبال او برویم.

## تمایل به جلب رضایت خدا

تمایل ما به جلب رضایت خدا، نه فقط ما را در بشارت فعال‌تر می‌سازد، بلکه این اشتیاق را در ما ایجاد می‌کند که همه چیز را آن طور که او می‌خواهد انجام دهیم. گاهی چنین به نظر می‌رسد که مردم، بر کار ما ارج نمی‌گذارند و چندان فایده‌ای از زحمات خود نمی‌یابیم، ولی نباید تسلیم ناامیدی شویم. ما خدا را دوست داریم و می‌خواهیم او از ما راضی باشد هدف اصلی ما در زندگی، این است. به انگیزه‌ها و تمایلات لازم که مورد اشاره قرار گرفتند فکر کنید. آیا این تمایلات، نیروی محرکه شما در زندگی می‌باشند؟

اگر لازم است که آنها را در خود تقویت کنید، پس در موردشان فکر نمایید و از خدا بخواهید که آنها را دائماً به یاد شما بیاورد تا در هر موقعیتی که پیش می‌آید، آنها را به کار ببندید. اگر برای اطاعت از خدا، انگیزه‌های قوی و محکمی داشته باشید، بر ترس طبیعی خود از شهادت دادن به بی‌ایمانان، غلبه خواهید نمود.

## تمایل به مشارکت

این تمایل در ما هست که با کسانی باشیم که دوستشان داریم. این تمایل، به سه طریق به کار بشارت ما یاری می‌دهد:

- ۱- مایل خواهیم بود که عزیزان ما هم در آسمان با ما باشند.
- ۲- مایل خواهیم بود که در امور بشارتی کلیسا سهمی داشته باشیم، چون در کار و برکت سایرین شرکت خواهیم داشت و شادی خاصی نصیب ما خواهد شد.
- ۳- مایل خواهیم بود که در مشارکت مخصوص با مسیح بمانیم. وقتی که مسیح ما را برای یافتن گوسفندان گمشده‌اش به کار می‌گیرد، مشمول برکات خاص صمیمیت با او می‌شویم.

## وسیله اساسی برای بشارت

برای داشتن بشارت فعالانه باید به کلام خدا ایمان داشته باشیم، قوت آن را تجربه نماییم و پیغامش را انتقال دهیم. بهترین فروشنده کسی است که کاملاً نسبت به مرغوبیت جنس خود اعتقاد داشته باشد. تردید درباره الهامی بودن کتاب مقدس و ارتباط داشتن آن با زندگی کنونی موجب شده که بسیاری از واعظین، نیروی روحانی خود را از دست بدهند، ولی اگر اعتماد خود را بر اعتبار و الهام کلام خدا و کار روح از طریق آن بنهیم، در خدمت خود نیروی عظیمی را تجربه خواهیم نمود. به مشکل بی‌ایمانی فقط خدا می‌تواند پاسخ بدهد. روح او از طریق کلام کار می‌کند تا موجد ایمان باشد.

هر چه بیشتر بر آنچه که خدا انجام داده و گفته است مطالعه و تعمق نماییم، ایمان بیشتری برای اعلام کلامش به دیگران خواهیم داشت. اگر می‌خواهیم دیگران با ایمان به نزد خدا آیند، باید کلام خدا را به عنوان اساس ایمانشان به آنها بدهیم. این امر نه فقط در مورد نجات آنها، بلکه در جهت رشد روحانی شان نیز مصداق دارد.

### ۱- ثمره روحانی

روح القدس از طریق آنچه که هستیم و می‌گوییم کار می‌کند تا مردم را نسبت به حقیقت انجیل، متقاعد سازد. اگر یک فروشنده صابون را ببیند که لباس‌های کثیف و دست‌های سیاه شده دارد، در مورد او چه فکری خواهید کرد؟ آیا از صابون‌های او خواهید خرید؟ در مورد کسی که درباره زندگی جدید در مسیح سخن می‌گوید، ولی زندگی شخصی‌اش، خود محور و گناه‌آلود است. چه خواهید گفت؟ دنیا، قبل از اینکه قوت انجیل را بپذیرد باید آن را در زندگی ما ببیند. شهادت دادن ما کافی نیست، بلکه باید شاهدان باشیم.

همانگونه که میوه روی درخت، ثابت می‌کند که آن درخت چیست، اعمال ما نیز اثباتی هستند بر محبت و حضور حقیقی خدا در ما. به همین دلیل معمولاً ما را آزمایش می‌کنند. اشخاص بسیاری پس از ایمان آوردن، اعتراف کرده‌اند که در دوره بی‌ایمانی، عمداً می‌کوشیدند که دوستان مسیحی خود را خشمگین سازند.

آنها می‌خواستند ببینند آیا آنچه که مسیحیان در مورد قدرت خدا می‌گویند صحیح است یا نه. خدا را شکر که توسط عیسی برگزیده شده‌ایم و روح او در ماست تا از آزمایشات، سر بلند بیرون آییم. دستور و حکم او خطاب به ما فقط این نیست که موعظه کنیم، تعلیم دهیم و شاهدان باشیم. او می‌خواهد که میوه و ثمره داشته باشیم (یوحنا ۱۵: ۱۶).

این حقیقت را که توسط کاننت (J. E. Conant) بیان شده نباید فراموش کنیم. این ما نیستیم که گمشدگان را با کمک مسیح نجات می‌بخشیم؛ خود مسیح است که به وسیله زندگی و سخنان شاگردان وقف شده‌اش کار صید جان‌ها را انجام می‌دهد. به همین ترتیب، به آن اندازه که به کارگیری و سلطه مطلق روح القدس بر ما اهمیت دارد، وسایل و امکانات ما مطرح نیستند. وقتی که روح القدس، یک مسیحی را در اختیار می‌گیرد، وی ناگزیر است که به دنبال گمشده برود، چه دستوری داشته باشد چه نداشته باشد. پس مهم‌ترین اصل در صید جان‌ها این است که شخص کاملاً تحت سلطه روح و پر از روح باشد، روح همان نجات‌دهنده‌ای که آمد تا گمشده را بجوید و نجات بخشد (کاننت، ۱۹۲۲، ص ۱۱).

۲- وقتی که دعا می‌کنیم چه اتفاقی می‌افتد؟

چرا خدای قادر مطلق، باید به ما هم از طریق دعا سهمی در کار خویش بدهد؟ آیا علتش این است که خدا می‌خواهد فرزندانش در علایق او شریک شوند و در مورد راه صحیح انجام کاری که به آنها سپرده شده است، با او بحث و تبادل نظر کنند؟ اگر خدا را برای پاسخ‌هایی که به دعاهایمان داده و پیروزی‌هایی که به ما بخشیده شکر نماییم؟ آیا او را خشنود ساخته‌ایم؟ آیا خدا ما را متکی به دعا آفریده تا در محبت و مشارکت به یکدیگر نزدیکتر شویم؟

هنگامی که وقتی را در حضور خدا می‌گذرانیم، در مشابهت به او نیز رشد می‌کنیم. خدا می‌خواهد ما را به وسیله دعاهایمان برای احتیاجات دیگران، با محبت نسبت به مردم پر سازد. او ما را محتاج دعای یکدیگر آفریده تا در محبت به عنوان اعضای یک بدن، صمیمانه‌تر با یکدیگر متحد شویم. دعا توسط خدا مقرر شده تا راهی باشد برای نشان دادن حقیقی بودن او و واقعی بودن کلامش. هنگامی که مشغول دعا هستیم، خدا به ما کمک می‌کند تا احتیاجات اطرافیان خود را ببینیم و ما را به سوی شخصی هدایت می‌کند که باید به او شهادت دهیم. او به ما دلگرمی می‌بخشد و ما را در آنچه باید بگوییم راهنمایی می‌کند.

به ما می‌آموزد که در ایمان برای شفای روحانی و جسمانی دعا کنیم. اگر با ایمان دعا کنیم، روح‌القدس ما را هدایت نموده از طریق ما برای نجات جان‌ها کار خواهد کرد. ستایش، بخش مهمی از تمام این دعاهاست. اعلام ایمان موجب تقویت ایمان ما می‌شود، شک را دور می‌کند و بر ترس‌های غلبه می‌نماید. بارها به هنگام دعا برای نجات یا شفای مردم، متوجه به این نکته شده‌ایم که پیروزی زمانی به دست می‌آید که درخواست کردن را متوقف نموده و خدا را برای پاسخش ستایش کنیم.

به هنگام دعا، باید منتظر باشیم که خدا ما را هدایت کند. در یک شب تاریک و طوفانی، زارعی کانادایی در خانه مشغول دعا بود که عمیقاً احساس کرد صدایی با او سخن می‌گوید: «به جنگل کاج برو، زانو بزن و با صدای بلند دعا کن.» آن زارع با خود فکر کرد که این باید ایده احمقانه خودش باشد، ولی احساس قوی‌تری می‌شد. بالاخره در آن طوفان، از خانه خارج شد. در میان درختان کاج زانو زد و همان طور که خداوند به او گفته بود با صدای بلند دعا کرد.

ناگهان دستی بر شانه‌اش قرار گرفت و صدای مردی را شنید، به طوری که از جا پرید آن مرد به جنگل آمده بود تا خود کشتی کند. او قبلاً طنابی از شاخه درخت آویزان کرده بود و می‌خواست خود را حلق‌آویز کند که صدای دعا کردن زارع را شنیده بود. نتیجه این شد که آن مرد از قصد خود برای خودکشی منصرف شد و به حیات تازه در مسیح روی آورد. شاید تجربیات ما تا به این حد هم مهیج نباشند، ولی وقتی که دعا می‌کنیم باید انتظار داشته باشیم که خدا در ما کار کند. او می‌خواهد ما را به طرف کسانی هدایت کند که به کمک ما نیاز دارند. بسیاری از مزامیر، سرودهای ستایش‌آمیز هستند. مزمور ۱۰۰ نمونه زیبایی است که می‌توان آن را حفظ نمود و تکرار کرد از تک تک عبارات این مزمور می‌توانید در دعا‌های شخصی خود برای ستایش خدا استفاده کنید.

**خدا در دیگران کار می‌کند**

در جزایر باهاما، گروهی از جوانان خانه به خانه می‌گشتند و درمورد خداوند با مردم صحبت می‌کردند. آنها قبل از شروع کار، دعا می‌کردند که خدا، کسانی را که ملاقات خواهند کرد، آماده سازد تا شهادت آنها را بپذیرند. در یک خانه، زنی که در را باز کرد با تعجب بسیار به آنها نگاه کرد و گفت: «آیا شنیدید که درباره چه صحبت می‌کردیم؟» پاسخ جوانان منفی بود. آن خانواده در همان لحظه در این مورد گفتگو می‌کردند که زمان آن رسیده که به خدا روی آورند. برای آن مبشرین جوان هدایت آن خانواده به سوی مسیح، کار بسیار آسانی بود. روزی یک مبشر خطاب به گروه عظیمی از مسیحیان چنین گفت: «اولین باری است که شما را می‌بینم، ولی یک چیز را درباره همه شما می‌دانم. قبل از اینکه خداوند را بپذیرید و نجات را بیابید برای هر یک از شما کسی دعا کرده است.»

دعا و ستایش ما برای این نیست که خدا را ترغیب کنیم تا ما را برکت دهد، گناهکاران را نجات بخشد و احتیاجاتمان را بر طرف سازد. خدا از قبل می‌خواهد که این کارها را انجام بدهد و برای عملی ساختن آنها هم نقشه و برنامه‌ای دارد، ولی این امتیاز را به ما عطا می‌کند که به وسیله دعا، در این برنامه نقشی داشته باشیم. هنگامی که برای مردم دعا می‌کنیم و خدا را برای جواب دعا شکر می‌گوییم، محبت خدا به روش‌های متفاوت توسط روح‌القدس برای آنها آشکار می‌شود و با نیاز خود به منجی و نجات‌دهنده رو به رو می‌شوند. بیایید قبل از اینکه با مردم راجع به خدا صحبت کنیم. با خدا راجع به آنها سخن بگوییم.

### پیغام ما: به مردم بگویید که گناه چیست؟

هنگام موعظه یا تعلیم در باره گناه، کافی نیست فقط به ذکر آنچه که مردم انجام می‌دهند بپردازید. گناه، عمیق‌تر از این است. در کتاب مقدس، تعاریف متعددی از گناه آمده است. کلام خدا اساساً به ما نشان می‌دهد که گناه عبارت است از:

- ۱- یک بیماری روح
- ۲- رد کردن خدا
- ۳- گم کردن هدف

### گناه مردم را به آنها نشان دهید

مسیح، آن طبیب اعظم مایل است مردم را از بیماری وحشتناکشان که گناه است شفا بخشد، ولی اغلب گناهکاران علاقه‌ای به یافتن این شفا ندارند. چرا؟ بسیاری هستند که خود را گناهکار نمی‌دانند و یا متوجه نیستند که عواقب نهایی گناه چیست. تنها راه نجات دادن زندگی این گونه اشخاص این است که آنها را نسبت به نیازشان متقاعد بسازیم و به آنان بگوییم که تشخیص طبیب روحانی درمورد وضعیتشان چیست. روح‌القدس به هنگام ملزم کردن مردم برگناه همین کار را انجام می‌دهد. روح خدا مردم را متقاعد می‌سازد که از نظر روحانی محتاجند. بدین ترتیب آنها نیز خود را به خدا می‌سپارند تا هر چه برای نجاتشان ضروری است، عملی شود.

پیغام بشارتی خدا در باغ عدن، اولین گناهکاران را با گناهشان و با نتایج آن رو به رو نمود. اکنون خدا ما را با پیغام الهی‌اش می‌فرستد، همان پیغامی که قادر است گناه را ملزم سازد. ما باید به مردم نشان دهیم که در برابر خدا گناهکارند. ملزم شدن نسبت به گناه؛ یعنی اینکه شخص دریابد که به خاطر طغیان علیه خدا گناهکار است و نیاز به بخشوده شدن دارد. مقاوم‌ترین اشخاص در برابر بشارت، کسانی هستند که خود را به قدر کافی خوب می‌دانند

ممکن است آنها بپذیرند که مستان و جنایتکاران، محتاج نجات هستند، ولی درباره خود می‌گویند: «کارهای خوب من بسیار بیشتر از معدود بدی‌هایی هستند که انجام می‌دهم. من دروغ نمی‌گویم، تقلب نمی‌کنم، دزد نیستم و با همسایه‌ام اختلافی ندارم. پس من بی‌عیب هستم.»

آیا تا به حال شده بدون آنکه بدانید صورت خود را با دوده یا جوهر، لکه کرده باشید؟ تنها راه چاره در این گونه موارد این است که با نگاه در آینه متوجه لکه بشوید و آن را پاک کنید. در مورد ملزم شدن نسبت به گناه هم باید همین کار را کرد. دیگران بهتر از ما متوجه گناهانمان می‌شوند. ما باید در آینه کلام خدا، خود را ببینیم و لکه‌هایمان را با معیار و قدوسیت الهی بسنجیم (یعقوب ۱: ۲۱-۲۵).

هنگامی که به آینه کلام خدا می‌نگریم، روح القدس ما را کمک می‌کند تا گناهانی را در خود ببینیم که حتی فکرشان را هم نمی‌کردیم و خدا را شکر، چون پاک شدن از گناهان را هم در مسیح می‌یابیم! وقتی که این کار را انجام دادیم، این وظیفه را از خدا می‌یابیم که آینه کلام او را برای دیگران در دست بگیریم تا آنها هم خود را آن طور که هستند ببینند. شکستن قوانین خدا، گناه است. لازم نیست که همه قوانین و شرایط مذکور در کتاب مقدس را بشکنیم تا قانون شکن محسوب شویم. شکستن یکی کافی است. هر چه نیکویی کنیم این حقیقت را نمی‌توانیم فراموش کنیم که قانون خدا را شکسته‌ایم.

به این جرم ما باید در پیشگاه تخت الهی رسیدگی شود و جزای آن را باید ببینیم. هر کسی روی زمین، دو حکم اولی را که به نظر مسیح از همه مهم‌ترند شکسته است (متی ۲۲: ۳۷-۳۸). پس همه گناه کرده‌اند.

## نجات در عیسای مسیح

حتما شنیده‌اید که مبشرین این جمله را بسیار به کار می‌برند: «مسیح، پاسخ سؤالات شما است» این کلمات، در سرودها هم آمده‌اند و شاید تا به حال آنها را در پوسترها و یا سایر نشانه‌های تبلیغاتی دیده باشید. دلیل تکرار این جمله این است که مسیح حقیقتاً پاسخ خدا است به مسأله گناه و عواقب وحشتناک آن. او واقعاً راه حل تمام مشکلات بشر است.

خدا به قدری ما را محبت نمود که پسرش عیسای مسیح را فرستاد تا ما را از زندگی گناه آلودمان نجات بخشد و احتیاجاتمان را بر طرف سازد. انجیلی را که موعظه می‌کنیم صرفاً یک آموزه یا تعلیم نیست، بلکه یک شخص است؛ خداوند عیسای مسیح. ما خوانده شده‌ایم نه فقط برای اینکه راجع به او به مردم چیزی بگوییم، بلکه تا آنها را به سوی او هدایت نماییم. لازم است که هرکس شخصا مسیح را به عنوان منجی و خداوند خود بشناسد (یوحنا ۱۷: ۳). همه باید بدانند که مسیح به جای آنها مرگ را پذیرفته و واسطه، رهاننده و خداوند است.

## توبه کردن توسط روح القدس

پیغام ما درباره نجات شامل کار پدر، پسر و روح القدس است. چون هر اکتوم سهم مهم خود را در آن دارد. آنچه را که خدای پدر برای ما طرح و مقرر کرده بود، خدای پسر با مرگ و قیام خود عملی ساخت و آنچه را که خدای پسر برای ما عملی و ممکن نمود؛ روح القدس در ما به انجام رسانید.

## کار روح القدس

توبه؛ یعنی برگشت و تغییر مسیر. ما به عنوان گناهکاران رو به جهنم راه می‌سپردیم، ولی عیسی ما را ملاقات نمود و وقتی او را به عنوان منجی و خداوند پذیرفتیم، روح القدس مسیر ما را تغییر داد و راه بهشت را در پیش گرفتیم.

او ما را یاری داد از گذشته خود رو برگردانیم و هر چه را که در افکار، احساسات و اراده مان علیه خدا وجود داشت نابود سازیم. روح خدا ما را قادر ساخت تا به مسیح ایمان آوریم. وقتی که خود را تسلیم مسیح کردیم، روح او آمد تا در ما زندگی کند، ما را هدایت و اعانت نماید و ذات تازه‌ای به ما بخشد. روح القدس ما را به مسیح ملصق نموده، عضوی از بدنش یعنی کلیسا می‌سازد. روح خدا، در معجزه تولد تازه ما را مجدداً می‌آفریند و بدین ترتیب فرزندان خدا می‌شویم (دوم قرن‌تین ۵ : ۱۷-۱۸، یوحنا ۳ : ۳-۶).

توبه؛ یعنی آن تغییری که به هنگام تسلیم کامل یک گناهکار به خدا، در او صورت می‌پذیرد.

به خاطر کار روح القدس است که دیگر جدا از خدا، نابینا، اسیر و در مسیر جهنم نخواهیم بود. مسیح توسط روحش در ما زندگی می‌کند و یاریمان می‌دهد که افکار و احساسات صمیمی داشته باشیم. بدین ترتیب، انتخاب صحیح و اعمال نیکو در ما به بار خواهند آمد (فیلیپیان ۲ : ۱۳).

## وظیفه شخص توبه کار

آیا تا به حال شده که سعی در غذا دادن به یک بچه داشته باشید، ولی او هر چه را که به دهانش گذاشته‌اید پس داده باشد؟ آنچه را که می‌خواهید به او بخورانید اهمیتی ندارد، مهم این است که تا او نخورد، آن را بخورد، کار شما غیر ممکن خواهد بود. نجات هم چنین حالتی دارد. خدا، کسی را به زور و ادار به خوردن نمی‌کند. شاید روح ما از فقدان حضور خدا و حیاتی که او می‌بخشد، در حال مرگ باشد، ولی تا زمانی که نخواهیم او را بپذیریم وی نمی‌تواند وارد زندگی‌مان شود.

آنچه که یک گناهکار برای یافتن نجات باید انجام دهد را می‌توان در دو کلمه خلاصه نمود: توبه + ایمان. توبه کردن؛ یعنی تغییر کامل مسیر زندگی هر انسان گناهکار، پشت به خدا و رو به جهنم طی طریق می‌کند. او باید گناه خود را ترک نموده و با توبه به خدا رو آورد (متی ۳ : ۲ و ۴ : ۱۷) و نهایتاً نجات ما در ایمان به مسیح کامل می‌گردد.

توبه از گناه بدین معنی است که حالت ما نسبت به گناه در تمام جوانب شخصیتمان، تغییر نماید. در فکر خود در می‌یابیم که اشتباهاتی داشته‌ایم و مسیر غلط را پیموده‌ایم و اگر می‌خواهیم نجات بیابیم، باید از گناهانمان رو گردان شویم. در احساسات خویش به خاطر بی‌اطاعتی‌مان از خدا پشیمان می‌گردیم و از مجازات شرارت‌هایمان هراسان می‌شویم. در اراده خود این تصمیم را اتخاذ می‌کنیم که از گناه برگردیم.

با ایمان آوردن به آنچه که خدا در مورد گناه، عواقب آن و وضعیت ما می‌گوید، توبه در فکر، آغاز می‌شود. هنگامی که مقصر بودن خود را می‌پذیریم، توبه به احساسات ما می‌رسد، ولی زمانی کامل می‌شود که بر اراده مان تأثیر می‌گذارد و موجب می‌گردد که با تصمیم و عملی



قاطع، گناه خود را ترک کنیم (حزقیال ۳۳: ۷-۲۰). روح القدس است که ما را به توبه می‌کشاند. او در فکر و احساسات ما کار می‌کند تا نسبت به گناهکار بودن خود متقاعد شویم و بدین ترتیب دریابیم که محتاج تغییر زندگی خود هستیم. روح خدا، اراده‌مان را تقویت می‌نماید تا از گناه بازگشت کرده به خدا روی آوریم. او گناه را از حکومت بر وجود ما بر کنار می‌سازد.

در سال ۱۸۵۸ یک معلم کانون شادی بنام کیمبال (Kimball) باعث شد که فروشنده یک مغازه کفاشی در بوستون، زندگی خود را به مسیح بسپارد. آن فروشنده، دوایت مودی Dwight Moody (L) بود که بعدها یکی از بزرگترین مبشرین جهان شد. در سال ۱۸۷۹ دوایت مودی، غیرت بشارتی را در قلب فردریک مایر (Frederick B. Meyer) که شبان کلیسای کوچکی در انگلستان بود بیدار کرد. کمی بعد، مایر در موعظه خود خطاب به دانشجویان حاضر در گردهمایی دانشجویان آمریکایی، وسیله‌ای شد برای ایمان آوردن دانشجویی بنام ویلبر چپمن (J. Wilbur Chapman) بعدها چپمن به خدمت در گروه (YMCA) (انجمن مردان جوان مسیحی) وارد شد.

وبیلی ساندی (Billy Sunday) را که سابقاً بازیکن بیس بال بود، برای کار بشارتی استخدام کرد. بیلی ساندی محبوب‌ترین مبشر اوایل قرن بیستم شد. وی در طول دوره خدمتش خطاب به بیش از صد میلیون نفر موعظه کرد و باعث ایمان آوردن بیش از یک میلیون نفر گردید. پس از اینکه یکی از جلسات بیداری از اردوهای بشارتی ساندی در شهری به پایان رسید، مردم آن شهر تصمیم گرفتند که اردوی بشارتی دیگری داشته باشند و به همین منظور از مردخای هام (Mordecai Hamm) دعوت کردند که موعظه کند.

در طی جلسات بیداری هام، مرد جوانی بنام بیلی گراهام (Billy Graham) مژده انجیل را شنید و زندگی خود را به عیسای مسیح سپرد. فقط ابدیت آشکار خواهد کرد که چه تعداد عظیمی از مردم در سراسر جهان به وسیله خدمات بیلی گراهام به مسیح ایمان آورده‌اند. چه کسی می‌توانست تصورش را بکند که تأثیر مداوم آن معلم کانون شادی که موجب ایمان آوردن یک فروشنده مغازه کفش در بوستون شد، به اینجا خواهد انجامید؟ چه کسی می‌داند که نتیجه تأثیر شما بر دیگران جهت ایمان آوردنشان به مسیح، چه خواهد بود؟!

## برخورد با موانع

### ایمان نابجا

بسیاری هستند که با تلاش برای یافتن امنیت روحانی در چیزهایی به جز مسیح، مرتکب اشتباه می‌شوند. خدا، خود را پناه و ملجأ می‌خواند (تثنیه ۳۳: ۲۷)، ولی به اشعیا می‌گوید که قوم به جای ایمان به او، دروغ‌ها را ملجأی خود کرده‌اند؛ یعنی پناهی دروغین دارند که نمی‌تواند نجاتشان دهد (اشعیا ۲۸: ۱۴ - ۲۰). آنها به چیزهایی اعتماد داشتند که مانند بستری کوتاه و لحافی تنگ، آسایش نمی‌بخشید. در امثال ۱۴: ۱۲ در مورد راهی می‌خوانیم که به نظر مستقیم می‌نماید، اما به موت منتهی می‌شود. عیسی هم درباره مصیبت ایمان نابجا سخن گفت. در مورد ایمان نابجا می‌توان این مثال‌ها را بر شمرد: سایر ادیان، عضویت کلیسا و نفس یا خود.

## سایر ادیان

حتما شنیده‌اید که بعضی می‌گویند: «همه راه‌ها به خدا ختم می‌شوند. همه ادیان، خوب هستند فقط کافی است در اعتقاد خود، صادق و صمیمی باشید.» برای پاسخ دادن به چنین اظهاراتی باید از اول تیموتاؤس ۲: ۵ و یوحنا ۱۴: ۶ استفاده کنید هیچ کس جز به وسیله مسیح نمی‌تواند نزد خدا بیاید. مسیح، تنها راه است، نه یکی از راه‌ها. او تنها واسطه‌ای است که میان خدا و انسان وجود دارد.

## عضویت کلیسا

میلیون‌ها نفر به جای اینکه به مسیح ایمان داشته باشند، به عضویت کلیسای خود اتکا می‌کنند. آنها مسیحیان اسمی هستند که هرگز مسیح را شخصا ملاقات نکرده و تولد تازه نیافته‌اند. آنان را باید زمینه مساعدی برای بشارت محسوب نمود. یکی از شیوه‌های کمک به این گونه افراد این است که آنها را تشویق کنیم علی‌رغم تجربیات گذشته‌شان، به خدا نزدیکتر شوند. بسیاری به هنگام دعا برای اینکه خدا از روح‌القدس پرشان سازد، تولد تازه یافته‌اند.

## نفس یا خود

شیطان باعث می‌شود که عده زیادی از مردم به جای ایمان به مسیح، به خودشان اعتقاد داشته باشند. بعضی حس می‌کنند که به قدر کافی خوب هستند و به یک منجی نیازی ندارند. دیگران با تکیه بر تلاش‌های شخصی‌شان، می‌کوشند مسیحیان خوبی باشند. عده‌ای هم هستند که فکر می‌کنند برای زندگی مسیحی داشتن، بیش از حد ضعیفند و از شروع چنین زندگی‌ای می‌ترسند. آنها به جای نگاه به مسیح و به قوت تبدیل‌دهنده خدا به ضعف‌های خود می‌نگرند. برخی صمیمانه می‌کوشند که بدون تجربه تولد تازه، مسیحیان خوبی شوند. عده‌ای هم هستند که مسیح را به عنوان منجی و خداوند شخصی‌شان نشناخته‌اند، ولی او را معلم و الگوی خود قرار می‌دهند. باید با استفاده از یوحنا ۳: ۳-۶، آنها را با نیاز واقعی‌شان رو به رو نمود.

## گناهان مسیحیان

ممکن است خطاها یا گناهان بعضی اعضای کلیسا مانع ایمان آوردن شخصی شوند که می‌کوشید به او بشارت دهید. او با خود میندیشد که سایر مسیحیان بهتر از وی نیستند، پس چرا باید از مسیح بخواهد که نجاتش بدهد؟ این یک مانع جدی است و به ما یادآوری می‌نماید که در هر چه انجام می‌دهیم باید نمونه خوبی باشیم. اکنون ببینیم که چگونه باید با این مانع برخورد کنیم:

۱- باید بپذیریم که مسیحیان، کامل نیستند، ولی خدا با هر کس مطابق توانایی‌اش کار می‌کند. ما نمی‌دانیم چه شرایطی بر کسی که به خطا می‌رود حاکم است و با اینکه آیا از گناهانش توبه نموده یا نه، به همین دلیل خدا می‌خواهد که داوری را به او بسپاریم (متی ۷: ۱-۳، رومیان ۲: ۱-۳).

۲- گاهی اوقات لازم است اعلام کنیم که همه آنانی که خود را مسیحی می‌نامند، واقعا نیستند خدا تمام مسیحیان بدلی (دروغین) را داوری و رد خواهد کرد (متی ۷: ۲۱). شیطان از ریاکاران (که همان مسیحیان بدلی هستند) استفاده می‌کند تا مردم از کلیسا

منزجر شده نسبت به مسیح و مسیحیت احساس خصومت داشته باشند. در این مورد می توان پرسید: «آیا درست است که به خاطر وجود پول تقلبی، هیچ نوع پولی را قبول نکنیم؟» به همین ترتیب صحیح نیست که میلیون ها مومن حقیقی را به حساب نیاوریم و به خاطر عده ای مسیحی ریاکار، مسیحیت را رد نماییم.

۳- از شخصی که ریاکاری مسیحیان را مانع ایمان آوردن خود می داند باید پرسیم که آیا کسی را می شناسد که زندگی اش مطابق تعالیم مسیح باشد و یا آیا توانسته اشتباهی در زندگی عیسی بیابد؟ تمام تلاش ما این است که مخاطب ما، عیسای مسیح را در قلب خود بپذیرد.

۴- ممکن است مردم در مورد شرارت‌ها و جنایاتی که ملل «مسیحی» مرتکب می‌شوند، چیزهایی بگویند. به آنان بگویید که چیزی تحت عنوان یک ملت مسیحی وجود ندارد. حتی در جاهایی که انجیل در وسیع‌ترین اندازه پخش شده است، اکثریت مردم، مسیحی نیستند، چون مسیح را به عنوان منجی شخصی خود نپذیرفته‌اند.

## ترس‌ها

خدا می‌خواهد شما را به کار برد تا به مردم کمک کنید بر ترس‌هایی که مانع آنها می‌شوند، غلبه نمایند. ما نجات‌دهنده‌ای داریم که از هر آنچه موجب ترس مردم می‌شود، بسیار قوی‌تر است. به خاطر داشته باشید که مسیح بارها می‌گفت: «ترسان مباشید!» او اکنون مایل است همین کلمات را از زبان شما خطاب به آنانی که در ترسی هستند اعلام نماید. «زیرا من که یهوه خدای تو هستم دست راست ترا گرفته به تو می‌گویم مترس، زیرا من تو را نصرت خواهم داد» (اشعیا ۴۱ : ۱۳).

در اینجا به چهار نوع ترس اشاره می‌کنیم که ممکن است موانعی در سر راه ایمان آوردن اشخاصی باشند:

## ترس از عوض کردن دین

کسانی که در محیط یک دین غیر مسیحی به دنیا آمده و بزرگ شده‌اند، ممکن است حتی بعد از اطمینان یافتن نسبت به صحت پیغام انجیل، از پذیرفتن مسیح بترسند. از نظر آنان، انجام این کار نوعی دل به دریا زدن است و فکر می‌کنند که بدین ترتیب خود را در گیر مسایل ناشناخته‌ای خواهند کرد. حقیقتاً اگر این گونه افراد بر ترس‌های خود غلبه کنند و خدایان، ارواح اجداد و سایر نیروهای روحی را نپرستند، چه اتفاقی خواهد افتاد؟ حتی بعضی از آنان، پس از ایمان آوردن نیز از نابود کردن مجسمه‌ها، مذبح‌ها و طلسم‌هایی که زمانی به آنها ایمان داشتند، می‌ترسند. آنان می‌خواهند که مسیح را پیروی کنند، ولی از خدایان قدیمی خود هر اسناک‌اند.

چگونه می‌توان به این گونه افراد کمک نمود؟ در اینجا چهار پیشنهاد ارائه شده است:

۱- از آنان بخواهید اجازه دهند که با هم دعا کنید تا خدا به آنها نشان دهد که چه باید بکنند. شما نیز در انجام آن کار، ایشان را یاری دهید.

۲- از شهادت‌های اشخاصی که چنین زمینه و گذشته‌ای داشته‌اند، استفاده نمایید.

۳- در مورد قدرت مسیح که از آنان محافظت می‌کند سخن بگویید. به آنان بگویید که دیگر نیازی به طلسم‌ها و اشیای جادویی خود ندارند، چون روح القدس از تمام ارواح شریر، قوی‌تر است (اول یوحنا ۴ : ۴).

۴- هر موقع که امکان دارد، اقدام مشترک و واحد را تشویق کنید. سعی کنید که تمام خانواده پیرو مسیح شوند.

در مورد بعضی اشخاص، ایمان به طور تدریجی و در حینی که کتاب مقدس را می‌خوانند و خداوند را بهتر می‌شناسند حاصل می‌شود. استفاده از تقویم‌های آیه‌دار و شعارهای دیواری ممکن است مفید باشد. اگر شخصی با مسیحی شدن، تصویر یا چیزی را از دیوار خانه خود بر می‌دارد که به نیروی مراقبت آن به عنوان یک طلسم اعتماد داشت، دیگر برای او دشوار نخواهد بود که به جای آن، آیه‌ای از کتاب مقدس را بگذارد که محافظت الهی را به او یادآوری کند. آیا شما با ترک کردن دین دیگری مسیحی شده‌اید؟ آیا شخص دیگری را می‌شناسید که این گونه باشد؟ با چنین اشخاصی صحبت کنید و ببینید که چه ترس‌هایی داشته‌اند و چه چیزی به آنها کمک کرد تا بر آن ترس‌ها غلبه نمایند.

### ترس از جفا

بسیاری از مردم در می‌یابند که پیروی از مسیح، موجب جفا دیدن آنها خواهد شد. این جفا می‌تواند مورد تمسخر واقع شدن باشد، یا طرد شدن توسط خانواده و دوستان و یا حتی آزار بدنی. گاهی اوقات اگر بتوانیم به خانواده یک نو ایمان هم بشارت انجیل را برسانیم، اوضاع برای خود وی هم مساعدتر خواهد شد.

یک نوجوان به مسیح ایمان آورده بود و می‌خواست تعمید آب بگیرد، ولی والدین او غیر مسیحی بودند. اگر او بدون رضایت والدینش تعمید می‌گرفت بدین معنی بود که علیه آنان و مقدساتشان شوریده است. کشیش کلیسا به احساسات خانواده آن نوجوان توجه نمود و آنان را دعوت کرد که برای شنیدن مجموعه دروسی درباره مسیحیت، به ملاقات او بروند. پس از آن می‌توانستند تصمیم بگیرند که آیا نسبت به تعمید گرفتن فرزندشان رضایت دارند یا خیر. نتیجه آن کلاس‌ها چنین شد که آنها هم به همراه فرزندشان تعمید گرفتند!

در کشورهایی که این عادت وجود دارد که مردم به صورت گروهی به جلو آیند و تصمیم خود را اعلام کنند، حق‌جویان و نوایمانان جرأت بیشتر می‌یابند و کاری را که اگر تنها بودند از انجامش واهمه می‌داشتند همراه با بقیه به انجام می‌رسانند. در چنان مناطقی، خادمان مسیحی می‌کوشند که پیغام انجیل را به تمام خانواده، تمام دهکده و یا تمام قبیله برسانند. آنها در صورت امکان، ابتدا مسیح را به افراد مشخص می‌شناسانند.

بدین ترتیب سایرین نیز تحت تأثیر این امر، به پیغام خداوند توجه می‌کنند. خدا از این روش در ایمان آوردن دسته‌های بزرگ مردم و حتی گاهی اوقات، تمام دهکده یا جامعه استفاده می‌کند. تسلیم شدن به مسیح امری شخصی و انفرادی است و هنگامی که به صورت گروهی صورت می‌گیرد، باز بدین معنی است که هر فرد از آن گروه، مسیح را به عنوان منجی و خداوند پذیرفته است.

### ترس از شکست

آیا شما هم تا به حال چنین پاسخی را شنیده‌اید.  
«من به پیغام انجیل علاقه‌مند هستم، ولی می‌دانم که نخواهم توانست مثل یک مسیحی خوب زندگی کنم. یک بار آن را امتحان کردم و شکست خوردم. حالا چرا باید دوباره امتحانش کنم؟»  
«از اینکه خود را نسبت به مسیح متعهد کنم می‌ترسم، چون قادر به انجام تعهدم نخواهم بود.»

«شما از موقعیت من خبر ندارید. در خانواده و در محیط کار و زندگی من ممکن نیست بتوان از تعالیم مسیح پیروی نمود. مطمئنم که در روز اول شکست خواهم خورد.»

در جواب باید به آنان بگوییم که خدا طبیعت تازه‌ای به آنها خواهد بخشید (یوحنا ۳ : ۱-۳ و دوم قرنتیان ۵ : ۱۷). آنان باید بدانند که خدا به دعاهایشان پاسخ خواهد داد و در قوت او ضعف ایشان برداشته خواهد شد (دوم قرنتیان ۱۲ : ۹). علاوه بر این روح القدس در آنها ساکن خواهد شده و آنها را در غلبه بر گناه، قدرت عطا خواهد کرد (رومیان ۸ : ۱-۹، غلاطیان ۵ : ۲۲).

به شیوه دیگری هم می‌توان به کسانی که از شکست می‌ترسند، دل‌داری داد. می‌توان آنها را مطمئن نمود که در کلیسای ما توجه خاصی نسبت به نوایمانان مبذول می‌شود.

یک نوایمان مسیحی هم مثل یک طفل به تدریج راه رفتن و سلوک روحانی را می‌آموزد، پس باید به او کمک نمود. وقتی که او لغزش می‌خورد و اشتباه می‌کند، شیطان به او می‌گوید که شکست خورده و نمی‌تواند زندگی خداپسندانه‌ای داشته باشد. در این موقع است که نوایمان با خود می‌اندیشد که حتما خدا از او خشمگین است. بدین ترتیب و سوسه می‌شود که از ایمان خود دست بکشد.

در این موقعیت چه باید کرد؟ آیا والدین، فرزندان خود را به خاطر زمین خوردن، سرزنش می‌کنند و کتک می‌زنند؟ آیا محبت خدا نسبت به فرزندان کمتر از والدین جسمانی است؟ در کسانی که زمانی پیروی از مسیح را شروع نموده‌اند، ولی راه ایمان را نیمه تمام رها کرده‌اند، زمینه بشارتی مناسبی وجود دارد. لغزش خوردگان به دلایل مختلفی ممکن است به زندگی گناه آلود خود باز گردند، ولی علت اینکه بسیاری از آنان به سوی خدا مراجعت نمی‌کنند این است که کلیسا از آنها دست می‌کشد.

ظاهراً کلیسا این حقیقت را می‌پذیرد که آنها شکست خورده‌اند و نباید توجهی به آنان نمود. بدین ترتیب متوجه اشخاص تازه می‌شویم و کسانی را که زمانی ادعای ایمان داشتند، ولی الان در راه هلاکت گام بر می‌دارند. به فراموشی می‌سپاریم. بیایید لغزش خوردگان را از یاد نبریم. می‌توانیم به آنها نشان دهیم که هنوز دوستشان داریم. باید از شهادت‌ها و آیاتی که موجب بنای ایمانشان می‌شوند استفاده کنیم تا مجدداً خود را به خدا تسلیم کنند. خدا آنها را دوست دارد. بسیاری از پیغام‌های انبیا خطاب به فرزندان لغزش خورده خدا بود.

جری مک کالی (Jarry Maccauley)، یک الکی و نمونه‌ای از یک زندگی شکست خورده بود. بارها تصمیم به پیروی از مسیح گرفته بود و بارها هم شکست خورده بود. آن پولی را که باید صرف سیر کردن شکم خانواده‌اش می‌کرد، در راه مشروب خواری به هدر می‌داد. وقتی دختر کوچکش مرد، او حتی کفش‌های او را هم دزدید تا مشروبی برای خود بخرد، اما دوستان مسیحی‌اش از او دست برداشتند. بالاخره روزی رسید که جری مک کالی در عیسیای مسیح، شخص تازه‌ای شد. او به سایرین می‌گفت که چگونه خدا آزادش کرده است. بعدها وی سازمانی تشکیل داد که با کمک مسیح باعث رهایی هزاران شخص الکی از دام اعتیاد گشت.

آیا شما با کلیسایتان کاری در مورد لغزش خوردگان انجام می‌دهید؟ به سوابق کلیسایی رجوع کنید. مسلماً به اسامی اشخاصی بر خواهید خورد که نیاز به دعا، دعوت و ملاقات دارند.

## ترس از رد شدن از سوی خدا

این ترس هم ارتباط نزدیکی با ترس قبلی دارد. بعضی‌ها احساس می‌کنند که قبلاً شکست خورده‌اند و آنقدر بد هستند که ممکن نیست بخشوده شوند. احتمالاً تقاضای بخشایش هم کرده‌اند، ولی شادی نجات را حس نکرده‌اند. در نتیجه فکر می‌کنند که خدا آنها را نبخشیده و نخواهد بخشید. حتی بعضی یقین دارند که مرتکب گناه نابخشودنی شد‌ه‌اند (اول یوحنا ۵: ۱۶-۱۷) و امیدی برای نجاتشان نیست.

باید از این گونه اشخاص بپرسیم که آیا مایل هستند بخشیده شوند و به آسمان بروند. اگر هنوز مشتاق بخشایش الهی هستند، همین دلیلی است بر اینکه روح القدس همچنان آنها را به سوی خدا می‌کشد و آرزوی شدنشان امکان‌پذیر است. سپس می‌توانیم از آیاتی که حاکی از تمایل خدا به نجات همه هستند استفاده نماییم. باید تأکید کنیم که پس از درخواست آمرزش از خدا، نجات ما بر وعده الهی متکی است نه بر چگونگی احساسمان. به یوحنا ۳: ۱۶، ۶: ۳۷ و اول یوحنا ۱: ۷-۹ دقت کنید، بخصوص به کلمات «هرکه»، با استفاده از این آیات سعی کنید که طرف مقابل، خود را جزو همان «هرکه» بداند و با اعتراف به گناه خویش از بخشایش خدا بهرمنند گردد.

## به مردم نشان دهید که چه باید بکنند

پس از اینکه گناهکاران، پیغام انجیل را شنیدند و توسط روح القدس نسبت به گناهان خود ملزم شدند، لازم است بدانند که چه باید بکنند تا نجات یابند. نجات، یک هدیه الهی است، ولی آنها برای دریافت آن باید چه کاری انجام دهند؟ می‌توانید از یک روش قابل دیدن بنام «دست نجات» استفاده کنید تا به مردم نشان دهید که برای رسیدن به آنچه خدا به آنها عطا کرده چه باید بکنند. در تعلیم یا موعظه می‌توانید این روش را توسط یک نمودار و یا طرح نشان دهید و یا بطور ساده می‌توانید در گفتگوهای شخصی، انگشتان دست خود را برای تشریح موقعیت به کار برید. سعی کنید که آیات ذیل را به خاطر بسپارید تا مطابق هدایت روح، هرچه لازم است به شخص مخاطب بیان نمایید.

چه باید بکنم تا نجات یابم؟

- رفتن به دنبال عیسی      لوقا ۹: ۲۳
- پذیرش و اعلام      یوحنا ۱: ۱۲، رومیان ۱۰: ۹-۱۰
- طلب آمرزش      اول یوحنا ۱: ۹
- توبه از گناه      اعمال رسولان ۲: ۳۸، ۳: ۱۹

## دعای شخصی

وقتی که با یک نفر دعا می‌کنیم، سعی ما بر این است که او با کلمات خود دعا کند، درست همان طور که اگر عیسی را می‌دید با او صحبت می‌کرد. البته اگر او خجالتی باشد، مجبورش نخواهیم کرد که به صدای بلند دعا کند. هدف اصلی این است که او شخصا با مسیح ملاقات داشته باشد، حالا چه با صدای بلند دعا کند و چه در سکوت باشد. بسیاری از مردم ترجیح می‌دهند که همراه با خادم مسیحی و با تکرار جملات او دعا کنند. پس از این دعای ایمان، وقتی که خادم خدا آنها را تشویق می‌کند که حتی اگر شده با یک جمله خدا را برای هر چه که برایشان کرده شکر کنند، آنها راحت‌تر می‌توانند با صدای بلند دعا نمایند. این تجلی شخصی ایمان، بسیار مهم است، چون آنها را یاری می‌دهد که به نجات خود ایمان داشته باشند (رومیان ۱۰: ۹ - ۱۰).

وقتی که با دیگران دعا می‌کنید از روح القدس بخواهید که شما را هدایت نماید، چون فقط اوست که نیاز هر کس را می‌داند. روزی از من خواسته شد که برای زنی که در حال مرگ بود دعا کنم. دقت می‌کردم که مطمئن شوم آیا او برای رو به رو شدن با خدا آماده است. در حین دعا کردن، حس کردم باید از خدا بخواهم که آن زن را یاری دهد تا بتواند هر که را نسبت به او بدی کرده یا او را رنجانده است، ببخشد.

پس از اینکه اتاق او را ترک کردم، به سایرین گفته بودم: شخصی کار بسیار بدی نسبت به من کرده بود و من گفته بودم که هرگز حتی اگر در بستر مرگ هم باشم او را نخواهم بخشید! ولی الان توانستم او را ببخشم. از آن لحظه به بعد، آن زن رو به بهبودی رفت و این امر مایه تعجب همه شد. در عرض چند روز او سلامتی کامل خود را یافت و در نجات خویش شادی می‌کرد! همیشه کار به همین صورت نیست که اشخاص با بیان یک دعای کوتاه بتوانند سدهایی را که در برابر خدا بنا کرده‌اند در هم بشکنند. گاهی اوقات لازم است که علیه نیروهای شیطان، وسوسه‌ها، ترس‌ها، شکها و عدم تمایل شخصی‌شان نسبت به تسلیم کامل به خدا بجنگند. خدا می‌داند که در مورد هر شخص چه مانعی وجود دارد. او می‌تواند شما را به کار برد تا به دیگران کمک کنید که علیه موانع موجود دعا کنند و با آزاد شدن از گناهانشان، از نجات خود اطمینان کامل داشته باشند.

## شیوه‌های مؤثر در ایجاد ارتباط

این اصول را در ده قانون مهم و اساسی آورده‌ایم:

- ۱ - با هدف مشخصی سخن بگویید.
- ۲ - صریح و واضح صحبت نمایید.
- ۳ - منظور خود را به روشنی بیان کنید.
- ۴ - مخاطبین خود را بشناسید.
- ۵ - از کلماتی استفاده کنید که برای شنوندگان قابل درک باشند.
- ۶ - طوری تعلیم دهید که با تجربه شنوندگانتان مطابقت داشته باشد.
- ۷ - با توجه به علایق و احتیاجات شنوندگان خود سخن بگویید.
- ۸ - به واکنش شنوندگان خود توجه نمایید.



- ۹ – تأثیر حالات خود را به خاطر داشته باشید.
- ۱۰ – با استفاده از شیوه‌های مختلف، به تقویت نیروی تعلیمی خود بپردازید.

## ایجاد ارتباط یعنی تبادل افکار و اندیشه‌ها بین مردم

هدف

- در مورد هدف بشارت اشاراتی داشتیم، ولی اکنون به این نکته می‌پردازیم که در هر عمل و تلاشی که می‌کنیم باید هدف مشخصی داشته باشیم. کارهایی را که باید انجام دهیم در این سه عنوان، خلاصه می‌شوند:
- ۱- اطلاع دادن
  - ۲- شکل بخشیدن به حالات
  - ۳- هدایت کردن به سوی انجام عمل، به عبارت دیگر پیغام ما باید بر فکر، احساسات و اراده متمرکز باشد.

وضوح

در زیر عنوان وضوح، دو قانون برای ایجاد ارتباط وجود دارند:

- ۱- صریح و واضح صحبت نمایید.
- ۲- منظور خود را به روشنی بیان کنید. اگر می‌خواهیم شنوندگان ما دریابند که چه می‌گوییم باید هر دو قانون فوق را مد نظر داشته باشیم. واضح صحبت کردن؛ یعنی اینکه کلمات را به طور مشخص و روشن ادا نماییم. حتما اشخاصی را دیده‌اید که از هواپیما، قطار و یا اتوبوس خود جا مانده‌اند، چون نتوانسته‌اند اخطار پخش شده از بلندگوها را به طور واضح بشنوند. فاجعه بدتر این است که مردم از سفر به آسمان جا بمانند، آن هم بدین علت که نتوانند بفهمند که ما چه می‌گوییم.

(در این موارد، باید اهمیت مضاعفی برای واضح سخن گفتن قائل شویم: سخنرانی برای یک گروه، صحبت کردن با کسی که نقص شنوایی دارد، گفتگو با کسی که زبان و لهجه متفاوتی دارد، مکالمه تلفنی و سخن گفتن با میکروفن. هر یک از موارد ذیل را می‌توان صحبت کردن گنگ و نامفهوم نامید)

زیر لب سخن گفتن

سخن گفتن بسیار سریع یا بسیار کند یا بسیار بلند و یا بسیار آرام.  
در هم و بر هم سخن گفتن  
بی‌توجهی در تلفظ کلمات یا تلفظ نکردن تمام یک کلمه.

بالا و پایین کردن صدا

به این اشکالات موجود در سخنوری توجه نمایید. آیا این نیاز را حس می‌کنید که در یکی از موارد فوق باید ایراد خود را بر طرف کنید؟ از خداوند بخواهید که به شما کمک کند تا در همه موارد عادت کنید که به وضوح صحبت نمایید. ما اغلب وقتی که به یک شخصیت یا ماجرای کتاب مقدس اشاره می‌کنیم چنین می‌پنداریم که حتما شنوندگان ما می‌دانند که چه می‌گوییم و ماجرا چیست. شاید این فکر در مورد اعضای کلیسا صحیح باشد، ولی در کار بشارت، مخاطبین ما چنین زمینه و اطلاعی ندارند.

لازم است منظور خود را به روشنی بگوییم، به نحوی که برای هر بی‌ایمان، قابل درک باشد. شنوندگان، مخاطبین خود را بشناسید. این اصل یکی از قوانین بسیار مهم در ایجاد ارتباط می‌باشد. اگر ندانید که مخاطبین شما به چه زبانی صحبت می‌کنند چطور خواهید توانست که به زبانی قابل فهم برای آنها سخن بگویید؟ اگر ندانید که علایق و احتیاجات شنوندگان شما چه هستند چطور خواهید توانست که مطابق با آنها سخن

بگویید؟ هرچه بیشتر با مردم آشنا شویم، مشکلاتشان را بهتر درک خواهیم نمود و نیز بدین ترتیب به هنگام دعا کردن برای مردم با صحبت کردن با آنها، آمادگی بیشتر برای دریافت هدایت روح خواهیم داشت.

### زبان

قانون بعدی در ایجاد و ارتباط مؤثر این بود که از کلماتی استفاده کنید که برای شنوندگان شما قابل درک باشند. یکی از بزرگترین مساعده‌های علوم ارتباطات به بشارت این است که بر شنوندگان تأکید می‌ورزد. زیباترین موعظه‌ای که خطاب به افراد بالغ بیان شود، از نظر کودکان کاملاً بی‌معنی خواهد بود، چون بچه‌ها با معنی کلمات محدودی آشنا هستند. ما باید زبان و بیان خود را با جماعت مخاطب خود تطبیق دهیم. میزان درک آنها به این محدود می‌شود که معنای چه کلماتی را می‌دانند و چه تجربیاتی دارند.

### تجربه

قانون بعدی ما بدین شرح است: طوری تعلیم دهید که با تجربه شنوندگانتان مطابقت داشته باشد. البته منظور اصل فوق این نیست که ما باید فقط درباره چیزی سخن بگوییم که شنوندگانتان شخصا تجربه کرده باشند، بلکه باید با استفاده از دانسته‌های آنها و با به کارگیری مثال‌های مناسب و کلمات قابل درک، حقایق جدید را برایشان شرح دهیم؛ یعنی باید از دانسته‌ها به ندانسته‌ها برسیم. از آنچه که مردم می‌دانند شروع می‌کنیم تا چیز تازه‌ای را به آنان بیاموزانیم.

هیچ کس در جهان نتوانسته در حد عیسی مسیح به بهترین نحو به ایجاد رابطه بپردازد. او از زبان ساده و روزمره مردم استفاده می‌کرد، با این حال تعالیم وی به حدی با قدرت بود که شنوندگانش متحیر می‌شدند. یکی از دلایل علاقه مردم به شنیدن سخنان مسیح این بود که او اصول اخلاقی و روحانی را با استفاده از تجربیات آنان تعلیم می‌داد. هنگامی که او یعقوب و یوحنا را از کار برتورهای ماهیگیری شان به نزد خود فراخواند، وعده داد که آنان را صیاد مردم سازد. مسیح با صحبت کردن درباره رفتن به دنبال گوسفند گمشده و یا جارو کردن خانه جهت یافتن سکه گمشده، مردم را به فکر تجربیات خود وامی‌داشت. او به جای بیان کلماتی خشک از قبیل صداقت و شرارت، از مثال‌های ملموس و آشنا برای مردم بهره می‌برد.

### علائق

علائق مردم با توجه به تجربیات، موقعیت‌ها و سن آنها، تفاوت می‌کنند. شهادت چگونگی ایمان آوردن یک بازیکن مشهور فوتبال، اثر عمیقی بر یک جوان شانزده ساله خواهد داشت، ولی از نظر مادر بزرگ آن جوان، مطلب چندان جالبی نخواهد بود. ما باید به مردم گوش دهیم و دریابیم که علایق و احتیاجاتشان چیست. با رعایت این نکات می‌توان مجراهای ایجاد ارتباط را باز نمود.

## واکنش

قانون بعدی ما این است: به واکنش شنوندگان خود توجه نمایید. این را باید یکی از مهم‌ترین جنبه‌های علم جدید ارتباطات محسوب نمود. قانون فوق بر این مهم تأکید دارد که باید روش‌هایی را به کار بریم تا دریابیم که شنونده چه فهمیده و پیغام چه تأثیری بر او داشته است. واکنش یک اصطلاح فنی است که در مورد این عکس‌العمل شنوندگان به کار می‌رود.

راه‌های متعددی برای کسب واکنش مخاطبین وجود دارند از جمله: توجه به حالات شنوندگان، ملاحظه چهره و اعمال آنها، سؤال کردن از آنان، تشویق کردن به اینکه نظری بدهند یا سؤالی بکنند. اگر با استفاده از رادیو یا جزوات، بشارت می‌دهید از شنوندگان یا خوانندگان خود بخواهید که برای شما نامه بنویسند و دروس مکاتبه‌ای را بگذرانند.

## حالات

قانون نهم در اعلام واضح انجیل عبارت است از: تأثیر حالات خود را به خاطر داشته باشید. در فصل‌های قبلی به اهمیت حالات خود اشاره کردیم. دیدیم که در کار بشارت، محبت و صمیمیت از اهمیت بسزایی برخوردارند. چهره ما، آهنگ صدایمان و اعمالی که از ما سر می‌زنند با احساساتمان نسبت به مردم، مرتبط هستند. حالات ما موجب می‌شوند که شنوندگان، پیغام ما را بپذیرند و یا در برابر آن مقاومت کنند.

مشاهده حالات مردم به عنوان واکنش آنها کار بسیار مهمی است. این نکته را در بشارت انفرادی بهتر می‌بینیم. بعضی از مردم زمینه باز و مساعدی دارند و مشتاق‌اند که همه چیز را از شما بیاموزند. در حالی که هستند کسانی هم که نمی‌توانید چندان در صحبت به آنان به پیش روید چون بزودی خصومت شنوندگان را حس خواهید کرد. دیگران فقط خود را پشت یک دیوار بی‌تفاوتی مخفی می‌کنند. نباید نسبت به این واکنش‌ها بی‌توجه باشیم. گاهی اوقات خدا طوری ما را هدایت می‌کند که به حل مشکل طرف مقابل بپردازیم و یا به نحوی مسیر صحبت را عوض کنیم که موانع ایجاد شده توسط مخاطب ما فرو بریزد و بتوانیم به مباحث روحانی خود ادامه دهیم. در سایر مواقع، هدایت الهی را در این می‌بینیم که صحبتمان قطع شود یا موضوع مورد بحث، تغییر یابد. در هر حال باید به ارزش‌های فرهنگی مردم هر کشور دقت کنیم.

## تقویت

آخرین اصل از قوانین ده‌گانه‌ای که برای ایجاد ارتباط صحیح داشتیم بدین شرح بود: با استفاده از شیوه‌های مختلف به تقویت نیروی تعلیمی خود بپردازید. به بیان دیگر می‌توانیم به روش‌های مختلف تأثیر پیغام خود را به دیگران تشدید نماییم.

تکرار حقایق اصلی، همانند کار چکشی است که با هر ضربه، میخ را کمی بیشتر فرو می‌کند. به کار بردن روش‌های مختلف در ارائه حقایق، موجب جلب توجه مردم شده و به آنان کمک می‌کند که موضوع را بهتر بفهمند. برای مثال، در یک جلسه بشارتی می‌توان از یک اعلان دیواری با این مضمون استفاده کرد: «عیسی نجات می‌دهد!» در همین جلسه باید سرودهایی را انتخاب نمود که همین موضوع نجات دهنده بودن عیسی را البته با ذکر جزئیات بیشتر، به جماعت القا کنند.

حق جویان هم می‌توانند در سرابیدن بندگان با بقیه هم آواز شوند. بدین ترتیب حتی پس از اتمام جلسه نیز، کلمات بندگان در ذهن آنها باقی می‌مانند. در شهادت‌ها، بر این حقیقت تأکید می‌شود که عیسی واقعا نجات می‌دهد و بالاخره شنوندگان از موعظه مبشر در مورد کلام خدا در می‌یابند که چگونه می‌توانند نجات یابند. هر چه بیشتر شخصی را واداریم که نقش فعال‌تری داشته باشد، او بهتر خواهد آموخت و آن تعلیم ما مدت طولانی‌تری در ذهنش خواهد ماند. به همین دلیل است که با سوالات خود از شنونده می‌خواهیم که اظهار نظر کند، سرودهایی را انتخاب می‌کنیم که او نیز بتواند بخواند و به هر وسیله ممکن سعی می‌کنیم که او عقاید و مشکلاتش را اظهار نماید.

بدین ترتیب به چیزی بیش از یک واکنش ساده خواهیم رسید. در واقع این عمل بخشی از آموزش است و به پذیرش حقیقت و تقویت ایمان منتهی می‌شود. قبل از اینکه مردم بتوانند چیزی را کاملا بفهمند و بپذیرند، محتاجند که آن را بارها در ذهن خود تکرار کنند.

### شاهد بودن برای مسیح

نقشه خدا برای هر مسیحی

روح القدس بدین منظور فرستاده شد تا همه آنانی که عیسی را می‌شناسند، قوت یابند و شاهدان او شوند. مسیحیان اولیه در حالی که پر از قوت روح القدس بودند، کار خود را شروع کردند و به همه می‌گفتند که در مورد عیسی چه می‌دانند. به رسولان اخطار شد که اگر شهادت دادن خود را متوقف نسازند، کشته خواهند شد، ولی آنها در برابر این تهدیدات مقاومت نمودند (اعمال رسولان ۵: ۲۹-۳۲).

رسولان شاهدان عینی زندگی، مرگ، قیام و صعود مسیح بودند. هر چند ما همانند آنها نیستیم، اما هر مسیحی واقعی با خداوند خود رابطه شخصی دارد و او را می‌شناسد. ابتدا، شهادت شاهدان عینی را که در کتاب مقدس مذکور است و نیز گفته شاهدان کنونی را که در مورد شناخت شخصی او دلیلی از زندگی خود دارند، می‌پذیریم. سپس در دعا به نزد مسیح می‌رویم و یقین می‌یابیم که او به نزد ما خواهد آمد و او نیز می‌آید! او گناهان ما را می‌آمرزد و به زندگی ما شادی، آرامش و هدف می‌بخشد.

قدرت شفا بخش او را در روح و بدن خود تجربه می‌کنیم و به بسیاری از دعاهایمان پاسخ داده می‌شود. در این صورت است که ما در مورد یک منجی زنده، شهادت و مدرکی داریم که باید به دیگران هم اعلام کنیم. همان گفته مسیح در کوه زیتون و خطاب به شاگردانش، در مورد ما هم مصداق دارد که فرمود: «شما شاهدان من خواهید بود» (اعمال رسولان ۱: ۸).

عیسی در برابر دنیای امروز به محاکمه کشیده شده است. او ادعا می‌کند که پسر خداست و نجات‌دهنده همه آنانی که به او ایمان آورند. دشمنان وی می‌گویند که او فریبکار است و آنچه که ادعایش را دارد نیست. شما دعوت شده‌اید تا در دفاع از مسیح شهادت دهید. آیا شهادت شما تأثیری به نفع مسیح خواهد داشت؟

مطابق اعمال رسولان ۱: ۸، نهضت پنطیکاستی که در جهان امروز موجب بیداری کلیسا گشته، می‌تواند مسیحیان را یاری دهد که عیسی را بهتر بشناسند، تأثیر این شناخت و ایمان را در زندگی خود نشان دهند و او را نزد دیگران تصدیق کنند. این است نقشه خدا برای تمام مسیحیان.

## عنصر اصلی در همه روش‌های بشارتی

یک ضرب‌المثل قدیمی می‌گوید: «ذره‌ای تجربه، با ارزش‌تر است از کوهی از فرضیه‌ها» ممکن است ساعت‌ها بحث کنیم تا مردم را نسبت به قبول حقیقت متقاعد نماییم، ولی ارائه مدرک و دلیل از همه آن بحث‌ها قوی‌تر باشد. مردم مایلند قبل از تسلیم زندگی خود به پیغام انجیل دلیل و مدرکی دال بر حقیقی بودن آن داشته باشند. به همین دلیل است که شهادت دادن، یک از دیگر راه‌های بشارت به آن نمی‌رسند. به هیچ چیز کمتر از ایمان آوردن تمام خانواده خود به مسیح، قانع نشوید. خدا می‌خواهد که همه اعضای خانواده نجات یابند. این را به هر یک از آنان بگویید.

در یکی از گزارشاتی که اخیراً در مجله ابدیت (Etemity) (سپتامبر ۱۹۸۷، صفحه ۳۵) چاپ شده بود، از ۱۴ هزار نفر پرسیده بودند که چه عاملی در ایمان آوردنشان مؤثر بوده است. نتایج این تحقیق بدین شرح می‌باشد:

● احتیاج خاص شخص	۱-۲ درصد
● به کلیسا رفتن	۲-۳ درصد
● شبان کلیسا	۵-۶ درصد
● ملاقات	۱-۲ درصد
● کانون شادی	۴-۵ درصد
● برنامه‌های کلیسایی	۲-۳ درصد
● اردوهای بشارتی	۵ درصد
● دوستان و بستگان	۷۵-۹۰ درصد

آیا حاضرید که به ده شهر رفته و به تمام بستگان و آشنایان خود بگویید که عیسی برای شما چه کرده است؟ اسامی اعضای خانواده و دوستان نزدیک خود را روی کاغذی بنویسید. در مقابل اسم آنهایی که ایمانداران هستند حرف (ا) و در برابر اسامی بی‌ایمانان حرف (ب) را بنویسید. در مورد کسانی که وضع روحانی شان برای شما نامعلوم است از علامت (?) به عنوان مشخصه استفاده کنید. سپس در برابر هر اسم بنویسید که محل سکونت وی در کدام شهر است و چگونه (توسط نامه یا ملاقات شخصی) و در چه وقت خواهید توانست که شهادت خود را به او بگویید. خدا شما را برای شهادت دادن به بستگان و دوستان بی‌ایمان به کار خواهد برد.

به محض اینکه متای باجگیر به مسیح ایمان آورد، خواست که تمام فامیل و دوستانش هم عیسی را بشناسند. به همین دلیل همه را به ضیافتی دعوت نمود که میهمان افتخاری آن، مسیح بود. امروز هم بعضی از مسیحیان، ایمان آوردن خود را این گونه جشن می‌گیرند. آنها بستگان و دوستان نزدیک خود را همراه با کشیش کلیسا به میهمانی شام دعوت می‌کنند. میزبان، ماجرای ایمان آوردن خود را به همه میهمانان خود اعلام می‌نماید و پس از او، کشیش توضیح می‌دهد که چگونه هر کس که مایل باشد می‌تواند همان شادی و حیات تازه در مسیح را بیابد.

میهمان نوازی مسیحی موجب می‌شود که بتوانید شهادت خود را به بسیاری از اشخاص تنها و محتاج دوستی برسانید. یک زوج جوان با دعوت بسیاری از دوستان خود به شام و سپس بردن آنها به کلیسا باعث ایمان آوردن عده زیادی شده‌اند. دیگران از همین روش برای کار در بین دانشجویان و سربازان دور از خانه و خانواده استفاده می‌کنند. کلیساها و انجمن‌های مختلف مسیحی از این ضیافت‌های خاص صبحانه یا ناهار و یا شام برای پیشبرد کار بشارت بهره می‌گیرند. در چنین مواقعی باید از یک سخنگوی میهمان و یک شهادت برجسته سود جست.

در مکزیکو سیتی، یک دندانپزشک به همراه همسر خود، دوستانش را برای «صبحانه و مطالعه کتاب مقدس» دعوت می‌نمود. در این بین هر که ایمان می‌آورد، همین برنامه «صبحانه و مطالعه کتاب مقدس» را در مورد دیگران به کار می‌گرفت. در حال حاضر کلیسایی متشکل از هزار عضو، نتیجه همین جمع شدن‌های کوچک در اطراف میز صبحانه می‌باشد. لازم نیست که شهادت دادن و میهمان نوازی شما فقط به بی‌ایمانان محدود شود. دعوت شما از نوایمانان هم می‌تواند فرصتی برای مشارکت مسیحی و کمک به رشد آنها محسوب گردد. هر کلیسا زمانی تقویت می‌شود که خانواده‌ها، یکدیگر را در خانه خود بپذیرند و با در میان گذاشتن تجربیات خود، موجب بنای همدیگر در ایمان شوند. «مشارکت در احتیاجات مقدسین کنید و در مهمان‌داری ساعی باشید» (رومان ۱۲: ۱۳).

برای شهادت دادن به اشخاص غریبه و یا همکاران اداری خود چه موقعیت‌هایی پیش می‌آید؟ به کارکنان فروشگاه‌هایی که از آنجا خرید می‌کنید و یا به آرایشگر، پزشک یا دندان پزشک خود چه می‌گویید؟ آیا به کسی که در اتوبوس، قطار، هواپیما و یا در اتاق انتظار کنار شما نشسته است شهادت می‌دهید؟ آیا شهادت خود را با فروشنده‌ای که زنگ خانه شما را زده است در میان می‌گذارید؟ همه اینها موقعیت‌هایی است که با استفاده از آنها می‌توانید به دیگران بگویید که مسیح برای شما چه کرده است.

چگونه به همسایه خود نشان می‌دهید که نسبت به سلامتی یا بیماری، سیری یا گرسنگی، شادی یا غم و به بهشت یا جهنم رفتن او توجه دارید؟ به یاد داشته باشید که شما چراغی هستید که خدا بر افروخته است تا نور خود را بر همسایگان خویش تابان سازید. با آنها دوستانه رفتار کنید. وقتی که آنها به شما اعتماد پیدا کردند، این فرصت پیش می‌آید که برای مشکلاتشان دعا کنید به آنان شهادت دهید و با آنها درباره موضوعات روحانی سخن بگویید.

## شهادت شخص به شخص

شهادت دادن شما در بشارت شخصی ممکن است با آمادگی قلبی و یا بدون آن باشد. غالباً موقعیت‌های مناسب در زمانی پیش می‌آیند که انتظارشان را ندارید. در سایر موارد، این شما هستید که باید برای شهادت دادن به خانواده، دوستان، همکاران یا غریبه‌ها موقعیت را مهیا سازید.

شهادت دادن در چه زمانی آغاز می‌شود؟ بیایید به تجربه مسیحیان اولیه نظری داشته باشیم. در مرقس ۵: ۱-۲۰ می‌بینیم که برای آن مرد دیو زده در سرزمین دیکاپولس (ده شهر)، چه اتفاقی

افتاد. او مردی وحشی، خشن، نا امید و دیوانه بود، اما مسیح او را نجات بخشید. وی که دوباره سلامتی خود را بازیافته بود، مشتاقانه می‌خواست به گروه بشارتی عیسی بپیوندد، اما عیسی به او گفت که نزد خویشان خود رفته و در مورد آنچه که خداوند برایش کرده است شهادت دهد. او در تمام آن نواحی (ده شهر) در مورد کار مسیح شهادت داد و همه مردم را متعجب ساخت.

شهادت دادن معمولاً در خانه و در میان خانواده و دوستان آغاز می‌شود. آنها که نزدیکان ما هستند بهتر می‌توانند مشاهده کنند که مسیح چه تغییری در زندگی‌مان به وجود آورده است. در مورد ماجرای شفای آن دیو زده، اهالی آن سرزمین عکس‌العمل مثبتی نسبت به مسیح نشان ندادند، اما حالت آنها با شهادت آن شخص تغییر یافت. آنها که در برابر بشارت انجیل مقاومت می‌کردند، هنگامی که دوباره عیسی به نزدشان آمد، مشتاقانه او را پذیرفتند و از او خواستند که بیمارانشان را شفا بخشد.

امروزه هم خدا با همین روش، سرزمین‌های بسته‌ای را برای پیغام انجیل باز می‌کند. بسیاری از نوایمانان قویا در خود احساس می‌کنند که باید به موطن خود بازگشته و در مورد کار عیسی در زندگی‌شان به خانواده و دوستان خویش شهادت دهند. این کار غالباً به ایمان آوردن عده زیادی انجامیده است.

در مطالعات انجام شده در مورد چگونگی رشد کلیساها، این نتیجه به دست آمده که شهادت هر مسیحی به خانواده و بستگانش، اهمیت بسزایی دارد. این شهادت شخص به شخص، تأثیر سریع و پایداری در رشد کلیسایی دارد، به حدی که هیچ



## نقش مشاوره در کار بشارت

اصول اساسی در مورد مشاوره

بین مشاوره و شهادت چه تفاوتی وجود دارد؟ در کار بشارت چه موقعیت‌هایی برای مشورت پیش می‌آیند؟ و چگونه می‌توانیم تأثیر بیشتری به مشورت دادن خود ببخشیم؟ مشاوره مسیحی؛ یعنی صحبت کردن با مردم در مورد مشکلات روحانی‌شان و کمک کردن به آنها تا راه حل صحیح را بیابند. مشورت دادن هم مانند شهادت، یکی از عناصر اصلی در بشارت به شمار می‌آید.

ما می‌کشیم که در تمام شیوه‌های بشارتی خود به مردم کمک کنیم تا برای مشکلات روحانی خود، راه حل صحیحی بیابند. در کار مشاوره به مسایل و مشکلات مردم گوش فرا می‌دهیم و آنان را یاری می‌کنیم که به پاسخ‌های خاص دست یابند. اگر این هفت اصل اساسی در مورد مشاوره مسیحی را به کار برید، خدمت شما در بشارت مفیدتر خواهد شد:

- ۱- اجازه دهید که مخاطب شما سخن بگوید.
- ۲- مواظب حالات و احساسات خود باشید.
- ۳- سخن چینی نکنید.
- ۴- خود را صرفاً به قواعد مشخص محدود نکنید.
- ۵- از مشاور الهی خود طلب کمک نمایید.
- ۶- توصیه‌های شما بر اساس کتاب مقدس باشد.
- ۷- در صورت نیاز از کمک دیگران هم استفاده کنید.

## موقعیت‌های مناسب در کار مشاوره

شهادت دادن و مشاوره، غالباً از شخص به شخص دیگر منتقل می‌شود. شهادت شما ممکن است موقعیت مناسبی ایجاد کند تا شخصی مسیح را بیابد و یا قبل از آن بتواند به او مشورت دهد. به پنج مکان و موقعیت مناسب در کار مشاوره دقت کنید: در خانواده و جامعه شما، در جلسات بشارتی، در کار با مردم، در خدمت شبانی و در وسایل ارتباطی.

## خانواده و جامعه شما

در یکی از جلسات اخیر خادمین مسیحی، سخنران از جماعت پرسید که چند نفر از آنها توسط مادرشان به مسیح ایمان آورده‌اند. از ۱۲۰ واعظ حاضر در جلسه، ۱۰۰ نفر دست خود را بلند کردند. بسیاری از مادران مسیحی که مشغول کارخانه هستند شاید فکر کنند که موقعیتی برای بشارت دادن ندارند. حقیقت این است که آنها در همان جایی که هستند به طور تمام وقت، وظیفه یک مشاور مسیحی را بر عهده دارند!

در اشاره به موقعیت‌های مناسب در کار مشاوره، اول به نقش مادر پرداختیم، چون او رابطه نزدیکی با فرزندانش دارد. پدر در یک خانواده مسیحی نقش سر خانه را بر عهده دارد و نسبت به هدایت روحانی اهل بیت خود در برابر خدا مسؤول است. بسیاری از زنان که شوهرشان بی‌ایمان است مجبورند مسؤولیت کامل هدایت روحانی بچه‌ها را به دوش کشند. چقدر بهتر است اگر هر دوی والدین، فرزندانشان را در طریق خداوند به پیش برند (تثنیه ۶ : ۶ - ۷).

عبادت خانوادگی یا ساعتی که به طور روزانه همه اعضای خانواده به دعا و پرسش می‌پردازند. موقعیت کمک به افراد خانواده و میهمانان را به وجود می‌آورد. در این ساعت اعضای خانواده درباره کتاب مقدس و ارتباط آن با زندگی‌شان صحبت می‌کنند. برای یکدیگر دعا کرده در مورد نیاز یا هر مشکلی که در خانواده یا برای سایرین وجود دارد، از خدا مسألت می‌نمایند. سهم شدن در مسایل خانواده باعث می‌شود که بچه‌ها در احتیاجات خود، راحت‌تر به نزد والدینشان بیایند.

در جامعه خود می‌توانید فرصت‌های بسیاری برای مشورت دادن به دست آورید. میهمان نوازی، ملاقات، خدمت در کلیسا و شهادت دادن به دوستان ممکن است به گفتگوهای بعدی درباره مسایل روحانی منتهی گردد. دوست حقیقی اطرافیان خود باشید و خدا هم شما را برای کمک به آنها به کار خواهد برد.

## جلسات بشارتی

بخش اعظم موفقیت بسیاری از اردوهای بشارتی مدیون خدمت مشاوران آموزش دیده است. پس چرا نباید از خدمت مشاوران مجرب در تمام جلسات بشارتی کلیسا استفاده کرد؟ می‌توان جای آنها را در لا به لای جماعت مقرر نمود. سپس هرگاه مردم به توبه و ایمان دعوت شوند، مشاوران قادر خواهند بود که اشخاص مایل را در قسمت خود تشخیص داده و برای کمک به آنان اقدام نمایند. بعضی از واعظین از مردم می‌خواهند که چنانچه مایل هستند برایشان دعا شود دست خود را بلند کنند. همین فرصتی است که مشاوران بتوانند چنین اشخاصی را دعوت کنند که به جلو آمده و دعا نمایند.

گاهی هم از مردم خواسته می‌شود که به جلو آیند. در این هنگام، جلو آمدن مشاوران موجب می‌شود که دیگران هم جرأت نموده و به سوی منبر حرکت کنند. مشاوران به مرد کمک می‌کنند که مسیح را بپذیرند، علاوه بر این ضمن گرفتن اسم و آدرس آنها ادبیات مسیحی مناسبی در اختیارشان قرار داده آنها را به سایر مسیحیان معرفی می‌نمایند. در روزهای بعد نیز آنان را کمک می‌کنند که مسیح را به عنوان خداوند و در مشارکت با کلیسایش خدمت نمایند.

## کار با مردم

بعضی کارهای خاص موجب می‌شوند که فرصت‌های بسیاری برای مشاوره بشارتی پدید آیند. هم کلیسا و هم برنامه‌های دنیوی در امور اجتماعی خود محتاج مشاوران حرفه‌ای هستند. کشیشان در جلسات ارتشیان و جلسات منعقد در بیمارستان‌ها و زندان‌ها در می‌یابند که مشاوره، سهم مهمی در خدمتشان دارد. پزشکان، پرستاران و معلمین ایماندار، اظهار می‌دارند که در کارشان موقعیت‌های بسیاری برای هدایت مردم به نزد مسیح پدید می‌آید. در اردوهای کلیسایی، مشاوران نقش مهمی در ایمان آوردن بسیاری از بچه‌ها و جوانان داشته‌اند.

کار در پرورشگاه‌ها، مراکز توانبخشی، خانه‌های سالمندان و برنامه‌های تأمین اجتماعی در واقع سروکار داشتن با مردم در هر جا سبب بروز موقعیتهایی می‌شود که شخص بتواند با محتاجان کمک، دوستی کند. همین دوستی است که راه را برای شهادت دادن و مشاوره باز می‌نماید.

خدمت شبانی. هر شبان کلیسا یک مشاور است. بعضی از شبانان، قسمتی از ساعات اداری خود را به مشاوره اختصاص می‌دهند و نیز در ملاقات‌ها، بهای بسیاری برای مشورت قائل می‌شوند. مشاوره خانوادگی هم جزیی از خدمت شبانی است. بسیاری از مردم در مواقع بحرانی به کلیسا رجوع می‌کنند و با گوشه‌شنوا، دستی یاری دهنده و راه حلی برای مشکلشان مواجه می‌شوند. یک از شبانان معتقد است که مشاوره خانوادگی، در بزرگی را بر بشارت می‌گشاید. وی از تجربه شخصی خود اظهار می‌دارد که یک مشاور خانوادگی مسیحی، بیش از یک کشیش می‌تواند مسیح را به گناهکاران بشناساند.

وسایل ارتباطی. ادبیات مسیحی، رادیو، تلویزیون، نامه نگاری و تلفن، همه جزو وسایل ارتباطی هستند. یکی از پرخواننده‌ترین قسمت‌های هر روزنامه ستون‌های آگهی آن است. چرا ما آگاهی‌های مسیحی نداشته باشیم؟ در یک شماره از روزنامه‌ای محلی که در

بروکسل پایتخت بلژیک چاپ شده بود ۱۶ آگهی از سوی مدیوم‌های احضار ارواح و طالع بینان وجود داشت، ولی حتی یک آگهی هم به چشم نمی‌خورد که به خواننده اعلام کند اگر مشکلی داشته باشد چگونه می‌تواند در مورد راه حل مورد نظر خدا، پرس و جو نماید. هیچ آدرس یا شماره تلفن از خادمین یا مراکز مسیحی وجود نداشت. چرا؟

بیلی گراهام اظهار داشته که با استفاده از ستون آگهی روزنامه‌ها، بیشتر از سایر شیوه‌ها توانسته توجه مردم را جلب کند. می‌توان ستونی از روزنامه را به ارائه پاسخ‌های کلی به سوالات مردم اختصاص داد. ارسال نامه شخصی به سؤال‌کننده هم نقش مکمل آن پاسخ را ایفا خواهد نمود. در شهر سانفرانسیسکو، یک راننده تاکسی با دادن کتاب نوجوانان چه می‌جویند به مسافران خود، پیغام انجیل را به آنان می‌رسانید. کار او فقط این بود که اسم و شماره تلفن خود را در کتاب می‌نوشت و آن را به هر که قبول می‌کرد، می‌داد. در طی سه سال، از این کتاب ششصد نسخه به زنان انگلیسی و سیصد نسخه به زبان اسپانیولی توسط آن راننده تاکسی پخش شد. یکی از این نسخه‌ها به دست سربازی رسید که می‌بایست بلافاصله به منطقه جنگی اعزام می‌شد.

هجده ماه بعد، همان سرباز به راننده تاکسی تلفن کرد. او تازه از مأموریت خود در سرزمین‌های دور بازگشته بود و می‌خواست با آن راننده صحبت کند. آنها در یک رستوران ملاقات کردند. آن سرباز توضیح داد که چگونه کتاب فوق را با خود برده بود و در طی جنگ و در سنگر، آن را به همراه داشت. خواندن آن کتاب باعث عوض شدن زندگی سرباز مورد نظر، شده بود. وی ضمن طلب بخشش گناهانش از مسیح، او را به عنوان خداوند و منجی خود پذیرفته بود. سپس نام خود را در کتاب نوشته و آن را به سرباز دیگری داده بود. او از همه خواسته بود که فقط کسانی که آن کتاب را می‌خوانند، پس از پایان آن اسم خود را در کتاب نوشته و آن را به دیگری بدهند. بعد از مدتی، کتاب مذکور دوباره به دست همین سرباز رسیده بود.

آن سرباز پس از شرح ماجرای خود، کتابی کهنه و رنگ و رو رفته از جیب خود درآورد و آن را باز کرد. بیش از هزار نفر از سربازان، اسامی خود را در صفحات کتاب نوشته بودند که بسیاری از آنها با خواندن کتاب، به مسیح ایمان آورده بودند. فقط یک کتاب توانسته بود زندگی بسیاری را به سوی خداوند رهنمون سازد. ادبیات مسیحی یکی از وسایل اصلی در رساندن مژده نجات مسیح به مردم به شمار می‌آیند. در این فصل به اهمیت، انتخاب و پخش ادبیات مسیحی خواهیم پرداخت.

## الگوی رسولان برای گسترش فعالیت بشارتی

- ۱- دعا این را باید مهم‌ترین عامل دانست. اگر روح القدس در قلب ما کار نکند، هیچ عملی از ما سر نخواهد زد.
- ۲- دعوت از داوطلبان.
- الف- جهت تعلیم دادن در کلاس‌های خانگی کانون شادی.
- ب- جهت در اختیار نهادن خانه‌های خود به عنوان محل کلاس.
- ۳- فعالیت در ناحیه.
- الف- شروع کار شاخه‌های فرعی کانون شادی توسط گروه‌های خادمین.
- ب- داشتن جلسات منظم هفتگی با خادمین گروه‌ها.

یک: برای دعا - به مدت نیم ساعت یا بیشتر.  
دو: برای تعلیم- در ابتدا همان درسی را بدهید که باید توسط همان خادمین تدریس شود. بعد می‌توانید به درس دادن در مورد فن تدریس یا سایر دوره‌های آموزشی بپردازید.  
سه: برای در میان گذاشتن...

الف- آمار و ارقام: یکی از قوانین مدیریت این است که هیچ مسئولیتی را بدون طلبیدن گزارش و جوابگویی، واگذار نکنید. گزارش هفتگی هر کلاس، نمایانگر میزان رشد آن خواهد بود.

ب- برکات: این کار باعث تشویق همه خادمین خواهد شد، بخصوص آنانی که نتایج کمی در کار کلاس‌های خود مشاهده می‌کنند.

ج- مشکلات: رشد تمام گروه در این است که همه دریافتن راه حل برای مسایل و مشکلات پیش آمده در خدمت، سهیم باشند.

۴- شروع یک جلسه به طور یک شب در هفته، در همان منازلی که محل تشکیل کلاس‌های فرعی کانون شادی هستند. این کار را می‌توان چند هفته یا یک ماه پس از آغاز کار کلاس‌های شروع نمود.

۵- شروع جلسات یکشنبه‌ها عصر در بعضی خانه‌هایی که فاصله بسیاری با کلیسا دارند. وقتی که چند نفر به خداوند ایمان می‌آورند، هسته‌ای برای آغاز کار جدید شکل می‌گیرد. این نوایمانان به جای اینکه هر هفته مسافتی طولانی را برای رسیدن به کلیسا طی نمایند. باید با هم کار کنند تا به محله و محیط همسایگی خود، بشارت را برسانند.

۶- تعلیم دادن در مورد زندگی مسیحی و اصول ایمان در کلاسها، بخصوص برای نوایمانان و سایرین.

۷- تعمید دادن نوایمانانی که دوره تعلیمی خود را گذرانده باشند.

۸- تشکیل یک کلیسای جدید، هنگامی که گروه به اندازه کافی رشد و توسعه یافته باشد. سپس این کلیسای جدید می‌تواند از همین هشت قدم در ایجاد کلیسای دیگری پیروی نماید.

آیا این طرح، قابل اجراست؟ در ماه مه سال ۱۹۶۵، این طرح به چهار کلیسای جماعت ربانی در بوگوتا (Bogota) واقع در کشور کلمبیا ارائه گردید و در هر کلیسا، شش بخش آموزشی و آماده‌سازی تدریس دیده شد. جمعا ۴۵ خانه به عنوان محل تشکیل کلاس‌های اعلام آمادگی نمودند و ۶۰ خادم جوان به عنوان معلم داوطلب کار شدند. در یک ماه تعداد شرکت‌کنندگان در کلاس‌های مطالعه کتاب مقدس از ۸۰۰ به ۲۸۰۰ رسید. شبانان و معلمین تخمین می‌زدند که حداقل ۱۵۰۰ نفر از ۲۰۰۰ تازه وارد، کسانی بودند که قبلا در هیچ کلاس کتاب مقدس و یا کلیسای پروتستان حاضر نشده بودند.

در ژوئیه ۱۹۶۶ در هر یک از مناطق هفتگانه پس از اینکه رهبران گروه‌های مذکور در فوق، در آنها جلسات عصر یکشنبه ترتیب داده بودند، به مدت شش روز جلسات عظیم بشارتی تشکیل گردید. در مدت شش ماه، چهار گروه از این تعداد، به اندازه کافی اعضای تعمید یافته داشتند تا بتوانند کلیساهای جدیدی را تشکیل بدهند. در ژوئن ۱۹۶۷، چهار گروه دیگر به وجود آمدند. در یک دوره دوساله، کلیساهای تأسیس شده از چهار به شانزده

رسیدند. بخش اعظم این فعالیت مدیون این بود که بر تجهیز روحانی کلیسا تأکید می‌شد و این حقیقت اعلام می‌گردید که زندگی روحانی، خدمت روحانی را نیز می‌طلبد.

طرح تهیه شده توسط آرتور لیندوال از این نظر هم خارق‌العاده است که نمی‌گذارند نتایج جلسات عظیم بشارتی از دست بروند. قبل از شروع جلسات بشارتی، خادمین آماده می‌شوند و آموزش می‌بینند، به نحوی که بلافاصله پس از جلسات بتوانند مشغول کار شوند و برای نوایمانان و خانواده‌هایشان در هر محله کلاس‌های مطالعه کتاب مقدس ترتیب دهند. این کار را می‌توان با ترتیب دادن دوره‌های مخصوص برای نوایمانان آغاز نمود و با قدم‌های بعدی ادامه داد.

## رساندن بشارت به خانه‌ها

یک کلیسای مدیست آزاده، در طول چهار سال از ۱۴ نفر به ۱۴۰۰ عضو رسید. اغلب اینها از طریق ملاقات‌های خانگی و جلسات مطالعه کتاب مقدس، ایمان آوردند. یک کلیسای پرزبیتری در مدت ۲۱ سال از ۱۷ به بیش از ۶۵۰۰ نفر عضو رسید. هر هفته حدود ۷۰۰ نفر از اعضای کلیسا، مردم را در خانه‌هایشان ملاقات کرده و از آنها دعوت می‌کنند که مسیح را به عنوان منجی‌شان بپذیرند روش انفجار بشارتی که از سوی آنها در برنامه ملاقات‌ها به کار گرفته می‌شود، اکنون مورد استفاده کلیساهای بسیار در سراسر جهان است.

یک کلیسای جماعت ربانی در مدتی کمتر از ده سال، به بیش از ۵۰۰۰ عضو رسید. عامل اصلی این رشد، یک برنامه قوی و منظم برای ملاقات‌ها بود. در بسیاری از نقاط جهان، برنامه‌های مؤثر ملاقات به کلیساهای کمک می‌کنند که از نظر عددی و روحانی رشد کنند. در این فصل نگاهی خواهیم داشت به شیوه‌هایی که بسیاری از کلیساهای دارای رشد سریع، آنها را در ملاقات‌ها به کار برده‌اند. اهداف و برنامه‌های ملاقات‌ها، مورد بحث قرار خواهند گرفت و اینکه به هنگام ملاقات چه کار باید انجام داد و نیز اینکه بهترین شیوه ثبت و گزارش چیست و چگونه باید از آن استفاده نمود.

## اهداف ملاقات

در هر کاری که باشد، اگر بخواهیم به نتیجه برسیم، باید هدف مشخصی داشته باشیم و سپس تمام تلاش و کوشش خود را در جهت رسیدن به آن هدف، معطوف بداریم. هدف ما از ملاقات کردن، هر چه باشد همان ما را در هر نوع ملاقات خاص هدایت خواهد نمود. برای ملاقات‌ها می‌توان چهار هدف اصلی را مشخص نمود: دعوت کردن، کلام خدا را کاشتن، به ایمان آوردن، محفوظ نگاه داشتن.

## دعوت کردن

چگونه می‌توان فهمید که در منطقه شما، هر خانواده این امکان را داشته که با یک مبشر انجیل ملاقات کرده باشد؟ چگونه امکان دارد دریابیم که چه کسانی به مژده انجیل علاقه‌مندند یا چه کسانی لغزش خورده‌اند و کلیسا هم اقدامی در موردشان نکرده است؟ این کار فقط به وسیله دعوت خانه به خانه و سرکشی به تمام منطقه میسر است. گاهی کلیسا با استفاده از پرسشنامه‌های آماده شده به تهیه آمار مذهبی یک جامعه مبادرت می‌ورزد.

در یکی از فصل‌های قبلی اشاره‌ای داشتیم که در ملاقات‌های خانه به خانه می‌توان شهادت داد، ادبیات مسیحی را توزیع نمود، مردم را به شرکت در جلسات دعوت کرد و جایی را یافت که بتوان از آن به عنوان محل تشکیل کلاس کتاب مقدس استفاده نمود.

## کاشتن کلام خدا

آیا این امکان وجود دارد که در ملاقات اول، زمین را شخم زده، تخم کلام را به کاریم و محصول رسیده را درو کنیم؟ بعضی‌ها شاید به محض شنیدن حرف‌های شما در مورد عیسای مسیح، آماده باشند که او را بپذیرند. دیگران ممکن است محتاج ملاقات‌های متعدد باشند تا بتوانند ایمان خود را بتدریج بنا نموده و برای شرکت در جلسات کلیسایی آماده شوند. ملاقات‌های اولیه را می‌توان صرفاً به تقویت دوستی و استحکام مشارکت اختصاص داد تا زمینه برای شهادت دادن در ملاقات‌های بعدی آماده شود.

بعضی کلیساها پرونده‌ای تشکیل می‌دهند و در آن فهرستی را از اسامی و آدرس‌های کسانی که باید ملاقات شوند، نگهداری می‌نمایند. این فهرست گروه‌های ذیل را در برمی‌گیرد:

- کسانی که یک بار به کلیسا آمده‌اند.
- دوستان و بستگان اعضای کلیسا.
- تازه واردان به محله و منطقه کلیسایی.
- اشخاصی که به نحوی خود را علاقه‌مند نشان داده‌اند.
- مراجعه‌کنندگان از مراکز مختلف.

## محافظة کردن

در بعضی کلیساها روند تأسف باری حاکم است. نوایمانان با شادی و از در جلوی کلیسا که در بشارت است وارد می‌شوند. در عین حال لغزش خوردگان با حالتی غمگین از در عقب کلیسا یعنی در غفلت خارج می‌گردند. بیاوید این در عقب را با ملاقات کردن، مسدود کنیم! چگونه؟ با بدوش گرفتن مسؤولیت نوایمانان، اعضای گروه‌های مختلف کلیسایی، غایبان در جلسات و اعضای سابق یا غیر فعال.

در بعضی کلیساها، هر نوایمان بلافاصله به یک شخص مسؤول روحانی که در حکم برادر بزرگتر یا خواهر بزرگتر عمل می‌کند، سپرده می‌شود. این شخص مسؤول به ملاقات فرد نوایمان می‌رود، با او و برای او دعا می‌کند، او را با درس‌هایی از کتاب مقدس راهنمایی می‌نماید و در مشکلات، یاری‌اش می‌دهد. وی همچنین باید آن نوایمان را تشویق کند که همیشه در جلسات کلیسایی حاضر باشد و اگر درموردی غیبت کرد با او تماس گرفته و ببیند که اوضاع و احوال او چگونه است. این مسؤول آنقدر به کار خود ادامه می‌دهد تا آن نوایمان در زندگی روحانی خود استوار شده و خود بتواند مسؤول روحانی شخص دیگری بشود.

هر بخش یا گروه کلیسا می‌تواند اعضای خود را ملاقات نماید و آنها را تقویت و محافظت کند. در خانه، مستقیم‌تر و بهتر از کلیسا می‌توان به یک شخص کمک نمود. ملاقات شخصی باعث می‌شود که رشته‌های ارتباط با گروه کلیسایی، محکم‌تر شوند. هر یک از اعضای گروه باید در مسؤولیت و شادی ناشی از ملاقات کردن، خود را سهیم بدانند. این امر به استحکام بیشتر کلیسا می‌انجامد. هر گروه اگر می‌خواهد اعضای خود را حفظ کند

باید متوجه باشد که کدام یک از آنها در جلسات مرتب گروه حاضر نیست و بلافاصله بعد از هر غیبت، با عضو غایب تماس بگیرد.



اعضای جماعت‌های بزرگ گاهی حس می‌کنند که هیچ کس به حضور یا عدم حضور آنها در جلسات کلیسایی توجهی ندارد. برای حل این مشکل، در بعضی کلیساها گروه‌های پنج نفره‌ای از اعضای کلیسا تشکیل می‌شوند و برای هر گروه یک مسئول تعیین می‌گردد. وی باید حضور و غیاب افراد گروه خود را مورد دقت قرار دهد. اگر کسی غایب باشد، روز بعد با او تماس گرفته می‌شود تا گروه بداند که چه مشکلی برای وی پیش آمده و آیا می‌تواند کمکی کند یا نه؟

نسبت به اعضای سابق یا غیرفعال چه مسؤلیتی داریم؟ آیا باید آنها را هم ملاقات کنیم؟ بایگانی کلیسا باید نشان دهد که کدام یک از اعضا محل سکونت خود را تغییر داده‌اند، یا عضویت خود را به کلیسای دیگر یک مرد جوان خواندم که خود را از یک کلاس کانون شادی کنار کشیده بود، اما همکلاسی‌هایش همچنان او را یکی از اعضای خود می‌دانستند. آنها به مدت هشت سال برای وی دعا کردند و به ملاقاتش رفتند تا در آخر او بازگشت. اگر کلیسا به همه جا می‌رود تا گمشدگان را بیابد، چقدر بیشتر باید در جستجو کردن فرزندان دور افتاده خود بکوشد!

## برنامه های ملاقات

### مسؤولیت شبانی

هر چند شبان کلیسا نمی‌تواند تمام ملاقات‌ها را انجام دهد، مطمئناً وی باید در این خدمت، پیشرو و نمونه باشد. بعضی شبانان، ملاقات‌های خود را به مواردی محدود می‌کنند که دعوت شده باشند و یا شنیده باشند که عضوی مریض است. دیگران تمام اعضای کلیسا و هر که به کلیسا می‌آید را ملاقات می‌کنند. ملاقات‌ها ممکن است کوتاه باشند، حتی ده دقیقه یا کمتر، اما در همین ملاقات‌هاست که شبان، دوست تمام مردم می‌شود و دید بهتری نسبت به احتیاجات آنها حاصل می‌کند.

دکتر رابرت ج. لی (Dr. Robert G Lee) شبان کلیسای فصلت‌یست بلوو (Bellevue) واقع در ممفیس تنسی، در طی یک دوره ده ساله موفق شد ۳۶۵۰۰ ملاقات شخصی را به انجام رساند. میانگین این رقم عبارت است از ده ملاقات در روز به مدت ده سال! این همه زحمت، نتیجه هم داشت. دکتر لی، در طی یک نسل در هر یکشنبه که بر منبر بود، نوایمانان را تعمیر می‌داد. یکی از اسرار موفقیت وی این بود که او در ملاقات‌هایش هدفی داشت و فقط برای دیدن مردم یا صحبت کردن با آنها نمی‌رفت. او هدفش را چنین اعلام می‌کند. «تا کار خدا را به انجام رسانم، تا دعا کنم، تا تسلی بخشم، تا تشویق کنم، تا مردم را برای مسیح صید کنم، تا شادی خود را در مورد کاری که به خوبی پیش رفته ابراز نمایم.» (نقل از کتاب خدمت ملاقات، صفحات ۲۲ و ۴۸). با این حال، رهبری فعال بدین معنا نیست که همه کار را یک نفر انجام دهد!

دکتر جیمز کندی (Dr. James , Kennedy) شبان کلیسای پرزبیتری کورال ریج (Coral Ridge) (کلیسایی که در مدت ۲۱ سال از ۱۷ به ۶۵۰۰ نفر رشد نمود) بر این نکته تأکید دارد که شبان مسئول است که دیگران را تربیت کرده و آماده سازد. وی کار آماده سازی را از یک نفر شروع کرد و او را در ملاقات‌ها همراه خود برد تا موقعی که اطمینان یافت که وی به تنهایی قادر است شهادت دهد و مردم را به سوی مسیح رهنمون سازد.

سپس همین شخص، فرد دیگری را به عنوان کمک و همراه با خود برد، در حالی که دکتر کندی مسوولیت آماده سازی نفر سوم را به عهده گرفته بود. به همین ترتیب، هر شخص تعلیم دیده، به آماده ساختن فرد دیگری مبادرت می‌ورزید. سپس دکتر کندی برای سرعت بخشیدن به این روند، در هر تیم سه نفر را قرار داد؛ یعنی یک مسوول و دو نفر کارآموز. دوره کارآموزی حدوداً چهار ماه ونیم می‌باشد. بعضی گروه‌ها از ساعت ۹ تا ۱۲ صبح روزهای چهارشنبه به ملاقات می‌روند و سایر گروه‌ها از ۱۵:۷ تا ۳۰:۱۰ عصر روزهای پنجشنبه. همه گروه‌ها، گزارش ملاقات‌های خود را ارائه می‌دهند و همین امر به تبادل شهادت‌ها و درخواست‌های دعا می‌انجامد.

این برنامه ملاقات نه فقط موجب برکت کلیسای پرزبیتری کورال ریج شده بلکه در سال ۱۹۸۳ حدود ۱۲۰ خانواده از همین کلیسا برخاسته و به خدمت تمام وقت خداوند وارد شدند. همچنین این کلیسا با استفاده از امکانات رادیو و تلویزیونی، جلسات پرستشی خود را برای ۳۳۰۰ شهر و نیز ۲۱ کشور خارجی پخش می‌کند. برنامه ملاقاتی که دکتر کندی در کتاب خود تحت عنوان بشارت انفجاری ذکر کرده، در سراسر جهان توسط هزاران کلیسا مورد استفاده قرار گرفته است (۱۹۸۳، صفحه ۵).

## تقسیم‌بندی منطقه

در فعالیت‌هایی از قبیل دعوت خانه به خانه، توزیع ادبیات مسیحی و تلاش در مطلع ساختن تک تک مردمان درمورد برنامه‌ای خاص، هرگروه باید به قسمتی از منطقه تحت پوشش برسد. آسان‌ترین روش این تقسیم‌بندی، بر اساس بلوکهای مربع شکل ناحیه مسکونی شهر صورت می‌گیرد. گاهی ممکن است یک گروه از جوانان تعلیم دیده به شهری بروند و با اعضای یک کلیسای محلی، گروه مشتری را به وجود آورند. این گونه گروه‌ها می‌توانند در طی روز، محله‌ای را تحت پوشش ملاقاتی خود قرار دهند و در شب نیز جلساتی در کلیسای محلی برای افراد دعوت شده، ترتیب دهند.

کشیش لئونارد وود (Leonard Wood)، گزارش داده که یک زوج جوان مدت یک هفته به کلیسای وی آمدند. هر یک از این دو نفر یک نفر را باخود برداشته و به کارآموزی وی می‌پرداختند. روز بعد، کسی که آموزش دیده بود، شخص دیگری را همراه می‌برد و به همین ترتیب. آنها در هر صبح به مدت دو ساعت کار می‌کردند و سپس برای دعا و صرف ناهار جمع می‌شدند. نتیجه کار آن زوج در طی آن یک هفته این بود که در ملاقات‌های خانگی ۱۲۳ نفر به مسیح ایمان آوردند و در جلسات شبانه کلیسایی نیز ۱۲ نفر.

یکی از جوانانی که توسط این ملاقات‌کنندگان ایمان آورده بود، به آنها گفت دوستی دارد که محتاج خداوند است. آن دو ملاقات‌کننده با آن دوست نیز ملاقات کردند و او هم مسیح را پذیرفت. او هم به نوبه خود، دوست دیگری را معرفی نمود و به همین ترتیب ۱۲ نفر فقط از همان معرفی اولین ایمان آورنده، نجات پیدا کردند (نقل از مجله Pentecostal Evangel از ۱۱ ژانویه ۱۹۷۰).

در بعضی مواقع، قسمتی از یک ناحیه به صورت مداوم به یک گروه سپرده می‌شود. این گروه باید در مواقع خاص به تمام منازل آن قسمت سرکشی کنند. در این بین می‌توانند فهرستی از خانواده‌های علاقه‌مند را نیز تهیه کنند و بیشتر به ملاقات آنها بروند. خادمین هر منطقه باید برای مردم تحت پوشش فعالیت خود دعا کنند، با آنها صمیمی تر شده و در حل مشکلات روحانی شان بکوشند. سپس می‌توانند جلسات همسایگی مطالعه کتاب مقدس را ترتیب دهند و بعد مردم را به کلیسا بیاورند.

در بسیاری از کلیساهای سریع‌الرشد، مسیرهای ملاقات‌الگویی برای خدمات اتوبوس رانی کلیسا محسوب می‌شوند. در همان مسیری که در روزهای شنبه، خانواده‌ها ملاقات می‌شوند، در روزهای یکشنبه اتوبوس کلیسا به جمع‌آوری اعضای علاقه‌مند به شرکت در کانون شادی و جلسه عبادتی مبادرت می‌ورزد. ما باید مسیرهای بشارت شخصی خود را نیز تنظیم نماییم تا در حد امکان مثمر باشیم. نباید با دادن قسمت‌های بسیار بزرگ از یک ناحیه به یک گروه کوچک، موجب یأس و ناامیدی خادمین بشویم. در یک موقعیت مخصوص می‌توان به تمام خانه‌های یک قسمت یا محله بزرگ سرکشی کرد، اما انجام این کار به طور مرتب امکان‌پذیر نیست. پس کلیسا باید این کار خود را با چند مسیر کوتاه آغاز نماید و با ایمان آوردن مردم و زیاد شدن اعضا، فعالیت خود را نیز گسترش بخشد. مسیرهای اولیه را باید در نزدیکی کلیسا و یا محل سکونت اعضای گروه انتخاب نمود.

## برنامه مراقبت از نوایمانان

- ۱- به محض اینکه شخصی به مسیح ایمان می‌آورد:
  - الف- کارت مخصوص تصمیم‌گیری مربوط به او را با این مشخصات پر کنید: نام، نشانی، شماره تلفن، جنس، سن، تصمیم اتخاذ شده و هر مسأله یا اطلاع دیگری که کمک خواهد نمود تا به وی مسؤولیت و مشاوره لازم داده شود.
  - ب- یکی از اناجیل را به شخص نوایمان بدهید و یا یک جلد عهد جدید یا کتاب مقدس کامل را به او بفروشید.
  - ج- از او بخواهید در یک دروه درس کتاب مقدس راجع به زندگی مسیحی شرکت نماید. مطالب مربوط به درس اول را در اختیار وی قرار دهید.

- ۲- روز بعد نامه‌ای از سوی شبان یا مبشر خطاب به او بفرستید و در آن:
  - الف- به او تبریک گفته و تشویقش نمایید.
  - ب- قسمت‌های از کتاب مقدس را به او پیشنهاد کنید تا آنها را مطالعه نماید.
  - ج- او را ترغیب کنید تا باز هم در جلسات کلیسایی شرکت کند.
  - د- نشانی کلیسا و برنامه جلسات را به او اعلام نمایید (در جلسات بشارتی متحد باید کلیسایی را به او معرفی نمود که به محل سکونتش نزدیکتر است و یا هر کدام را که خود وی ترجیح می‌دهد).

- ۳- در طی ۴۸ ساعت:
  - الف- شخصی به ملاقات آن نوایمان برود و یا با تلفن با وی سخن بگوید.
  - ب- برای آن نوایمان دعا کنید.

ج- در جلسات بشارتی متحد، تمام جزئیات مربوط به کارت تصمیم‌گیری و نکات راجع به عضویت در نزدیکترین کلیسا را در اختیار شخص نوایمان قرار دهید و یا با کلیسایی که خود وی ترجیح داده است، هماهنگی لازم را به عمل آورید.

۴- پس از سه هفته، نامه‌ای از سوی شبان خطاب به وی فرستاده و در آن:

الف- او را تشویق کنید.

ب- در مورد مطالعه کتاب مقدس، مطالعه دروس و دعا، مجدداً یادآوری نمایید.

ج- آنها را نصیحت کنید تا به مسیح شهادت دهند.

د- آنها را برانگیزانید تا در کلیسا شرکت نمایند.

۵- مسئولیت روحانی نوایمان تازه‌ای را که همجنس نوایمان قبلی و مورد نظر ماست به او بسپارید تا:

الف- هر روز برای نوایمان دیگر دعا کند و او را در زندگی مسیحی‌اش یاری دهد.

ب- به آن نوایمان کمک کند تا وارد برنامه عمومی کلیسا شود.

ج- به مدت ۶ هفته به طور هفتگی به ملاقات آن نوایمان برود و او را با یک دوره درسی کتاب مقدس یا سایر دروس، یاری دهد.

د- آن نوایمان را تشویق و مشورت کند تا شهادی برای مسیح شود.

ه- مهمان‌نوازی مسیحی را از خود نشان داده و نوایمان جدید را به خانه خود یا به رستوران برای غذا دعوت کند.

و- آن نوایمان را تشویق کند تا تعمیم گرفته عضو کلیسا شود و پس از آن، مسئولیت نوایمان دیگری را بپذیرد.

ز- کار را آنقدر ادامه دهد تا آن نوایمان به یک مسؤل روحانی برای دیگران مبدل شود.

۶- به طو مداوم بر برنامه مسئولیت روحانی تأکید ورزید:

الف- او را از شهادت‌ها، گزارشات و درخواست‌های دعا مطلع سازید.

ب- پرونده‌ها را به روز، مرتب کنید.

ج- نظارت کنید تا ببینید که تمام نوایمانان برای برنامه فوق اهمیت قائلند.

۷- کار پیگیری را در مورد تمام کسانی که تصمیم به پیروی از مسیح گرفته‌اند تا یک سال ادامه دهید.

۸- بر زندگی پر از روح، دعا و خدمت مسیحی تأکید کنید.

۹- به نوایمانان کمک کنید که در خدمات مسیحی سهیم شوند.

۱۰- کلاس‌هایی (به طور خصوصی یا گروهی) تشکیل دهید تا نوایمانان برای تعمیم آب و عضویت کلیسا آماده شوند.

۱۱- ملاقات‌های شبانی را به انجام رسانید.

۱۲- نوایمانان را در آب تعمیم داده و به عضویت کلیسا بپذیرید.

۱۳- برای کسانی که قادر به خواندن نیستند کلاس‌های سوادآموزی ترتیب دهید.

۱۴- دروس منظم مطالعه کتاب مقدس و دوره های کارآموزی برای خدمت را در اختیار آنها بگذارید.

وقتی جامعه شما در اثر یک سری جلسات عظیم بشارتی به شور و شوق آمده است، چشم‌اندازهای نزدیکی برای بشارت به وجود آمده‌اند. دوستان و بستگان اشخاص نجات‌یافته یا شفایافته جزو همین موقعیت‌های تازه به شمار می‌آیند. کسی چه می‌داند، شاید بسیاری از شرکت‌کنندگان در جلسات بشارتی فقط منتظر یک ملاقات هستند تا تصمیم خود را در مورد پیروی از مسیح اتخاذ نمایند. برنامه پیگیری فقط مختص نوایمانان نیست، بلکه باید در مورد همه کسانی که به نحوی تحت تأثیر جلسات بشارتی قرار گرفته‌اند، عملی گردد.

کلیساها می‌توانند در نواحی مختلف و قسمت‌های گوناگون جامعه به تشکیل شاخه‌های جدید کانون شادی، گروه‌های دعا و کتاب مقدس و یا شعبات تازه بپردازند. پس از یک سری جلسات بزرگ بشارتی در السالوادور واقع در آمریکای مرکزی که سه ماه طول کشید، کلیسا بلافاصله ۱۷ شعبه را افتتاح نمود. همین شعبات به زودی رشد کرده و به کلیسا تبدیل شدند.

ملاقات کردن، یکی از مهم‌ترین روش‌های پیگیری است. کسانی که به ملاقات نوایمانان می‌روند مسئولان روحانی، مشاوران، شبان، همسایگان مسیحی این امکان را در اختیار دارند که به سایر اعضای خانواده، دوستان و همسایه‌های آنها نیز بشارت دهند. ما باید به ملاقات کسانی برویم که در طی جلسات بزرگ بشارتی، درخواست دعا برای شفا داشته‌اند. ممکن است اکنون محتاج کمک روحانی و تشویق باشند. علاوه بر این، به هنگام دعوت شبان از حامیان مالی و مقامات اداری محلی جهت قدردانی از همکاری شان در برگزاری جلسات، باز هم فرصتی است تا در مورد کار خدا در برنامه‌ها سخن گفته شود.

روش مفید دیگر در برنامه پیگیری بررسی خانه به خانه است. در این بررسی می‌توانیم پرسیم که چه کسی در جلسات بشارتی شرکت کرده و تأثیری پذیرفته است. شاید با کسانی مواجه شویم که مایل بودند در جلسات شرکت کنند، اما نتوانسته‌اند یا کسانی که می‌خواستند نجات یابند، اما برای جلو رفتن محتاج تشویق بوده‌اند. ممکن است کسانی را ببینیم که مسیح را پذیرفته‌اند، اما کارت تصمیم‌گیری را پر نکرده‌اند و یا آدرس‌شان بر آن کارت، اشتباه بوده است. شاید بعضی‌ها توسط رادیو، بشارت را شنیده باشند، اما در جلسه‌ای شرکت نکرده‌اند. دیگران ممکن است تحت تأثیر جلسات بشارتی قرار گرفته باشند و بخواهند که بیشتر در مورد خداوند بدانند.

## به اتمام رساندن کار

در همین نسل باید تمام انجیل به تمام دنیا برسد! این امر مستلزم تجهیز و آمادگی تمام کلیساست. دعا و اطاعت از روح‌القدس نیز لازم است تا خدا طوری از طریق ما کار کند که به تنهایی امکان انجام آن را نداریم و نیز این کار، هماهنگی و همکاری هیأت‌های بشارتی را می‌طلبد. خدا روی ما حساب می‌کند تا نه فقط انجیل را به اطرافیان خود بلکه به همه آنانی که از ما بسیار هم درو هستند برسانیم. انجام این کار از سوی ما بدین صورت است که مبشرینی را اعزام کنیم و آنها را با دعا و هدایای خود حمایت نماییم.

۱. م. کاکائو (A. M. Cakau)، ناظر کلیساهای جماعت ربانی در جزایر فیجی، کلیساهای را در یک برنامه وسیع بشارتی برای رساندن پیغام انجیل به سایر جزایر هدایت می‌کند. وی در یک کنفرانس بین المللی در مانیل، اظهار داشت: «اعتقاد من این است که هیچ کلیسایی آنقدر جوان نیست که نتواند مرکز بشارتی شود و هیچ کلیسایی هم آنقدر فقیر نیست که نتواند از یک برنامه بشارتی، حمایت مالی کند.»

هر نسلی از مسیحیان مدیون است که به دنیای عصر خود بشارت دهد. آیا می‌توان در دنیایی که دچار انفجار جمعیت است، بشارت داد؟ بله، ممکن است! و باید عملی گردد. اگر از روش‌ها و وسایل امروزی که در دسترس است استفاده شود و هر ایماندار هم سهم خود را به انجام رساند و اجازه دهد تا روح القدس از طریق او هدف الهی را محقق سازد، بشارت جهان عملی خواهد شد. اگر زندگی خود را کاملاً به مسیح تسلیم کنیم خواهیم دید که وعده‌اش را خطاب به کلیسای هر نسل به کمال خواهد رسانید: «لیکن چون روح القدس بر شما می‌آید قوت خواهید یافت و شاهدان من خواهید بود، در اورشلیم و تمامی یهودیه و سامره و تا اقصای جهان» (اعمال رسولان ۱: ۸).

۱- وسوسه چیست؟ نیازهای سطحی را طوری وانمود نماید که بزرگ است (یعقوب ۱: ۱۳ - ۱۴).

پیروزی بر وسوسه:

الف- کجا ایستاده‌ایم (یعقوب ۴: ۷ - ۸).

ب- آیا این یک وسوسه بود؟ مشکل اینجاست که خیلی وسوسه را نمی‌شناسند.

قدم‌های پیروزی:

۱ - تشخیص دهید دارید وسوسه می‌شوید.

۲- به آن بگویید نه (امثال ۴: ۲۳ - ۲۷).

۳ - با خدا صحبت کنید.

۴ - شیطان چه نیازی را می‌خواهد برطرف کند.

۵ - راه خدا را برای آزاد شدن بجویید (فیلیپیان ۴: ۱۹).

لطفاً نظر خود را در مورد دروس این دوره در صفاً فوق ارائه دهید. همچنین اگر هدایت یا پیشنهادی جهت بهتر شدن شاگردسازی (بشارت) در کلیسای ایرانیان اسلو دارید، نیز می‌توانید مطرح فرمایید.

نام:







